

آداب سفر

سوختن آسیبی به تو نرسد، و کمی از تربت حضرت سید
الشهدا علیه السلام را با خود بردار، و در وقت برداشتن چنین بگو:

اللَّهُمَّ هَذِهِ طِينَةٌ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَوَلِيِّكَ وَابْنِ

خدایا این تربت قبر حسین (درود بر او باد) ولی تو و پسر

وَلِيِّكَ، اتَّخَذْتُهَا حِرْزًا لِمَا أَخَافُ، وَمَا لَا أَخَافُ.

ولی تو است، که آن را پناهگاه خود از آنچه می ترسم و نمی ترسم قرار دادم

و با خود انگشتر عقیق و فیروزه بردار، به ویژه انگشتری که
عقیقش زرد باشد و یک طرفش منقوش به «ما شاء الله؛ لا قُوَّةَ إِلَّا
بِالله؛ أَسْتَغْفِرُ الله» و طرف دیگرش «مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ»، باشد. سید
ابن طاووس در کتاب امان الاخطار از ابو محمد قاسم بن علا
از صافی خادم حضرت هادی علیه السلام روایت کرده: از آن
حضرت اجازه خواستم به زیارت جدش حضرت رضا علیه السلام
بروم، فرمود: با خود انگشتری داشته باش، دارای نگین زرد
و نقش نگین آن «ما شاء الله؛ لا قُوَّةَ إِلَّا بِالله؛ أَسْتَغْفِرُ الله». و نقش
طرف دیگرش «مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ»؛ چون این انگشتر را برداری،
از شرّ دزدان و راهزنان امان یابی، و برای سلامت تو تمامتر و
نسبت به دین تو حفظ کننده تر است، خادم گوید: بیرون
آمدم و انگشتری که حضرت فرموده بود تهیه کردم، سپس
خدمت ایشان بازگشتم که برای سفرم با آن جناب وداع

آداب سفر

کنم، چون وداع کردم و دور شدم، دستور داد مرا برگردانند، وقتی برگشتم فرمود: ای صافی. عرض کردم: لَیْکَ ای آقای من: فرمود: انگشتر فیروزه هم باید همراه داشته باشی، زیرا میان طوس و نیشابور شیری به تو برخواهد خورد، که قافله را از ادامه سفر منع خواهد کرد، تو پیش برو، و این انگشتر را به شیر بنما، و بگو مولای من می گوید از راه، دور شو، باید بر یک طرف نگین فیروزه «اللَّهُ الْمَلِکُ» و بر طرف دیگرش الْمَلِکُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ نقش کنی، زیرا نقش انگشتر فیروزه امیرالمؤمنین علیه السلام، اللَّهُ الْمَلِکُ بود، چون خلافت به آن حضرت برگشت الْمَلِکُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ را نقش کرد، و چنین نگینی انسان را از حیوانات درنده امان می بخشد، و در جنگها باعث پیروزی و غلبه می شود. صافی می گوید: به سفر رفتم، به خدا سوگند در همان مکان که حضرت فرموده بود شیر بر سر راه آمد، و آنچه فرموده بود انجام دادم، شیر برگشت، چون از زیارت بازگشتم، آنچه واقع شده بود خدمت آن حضرت عرض کردم، فرمودند یک چیز ماند که نگفتی، اگر می خواهی من بگویم، گفتم: آقای من شاید فراموش کرده باشم، فرمود شبی در طوس شب را نزدیک قبر شریف به سر می بردی، گروهی از جنیان به

آداب سفر

زیارت قبر آن حضرت آمده بودند، آن نگین را در دست تو دیدند و نقش آن را خواندند، پس آن را از دست بیرون آوردند و به نزد بیماری که داشتند بردند، انگشتر را در آبی شسته و آن آب را به بیمار خود دادند، بیمارشان صحّت یافت، انگشتر را برگرداندند، درحالی که تو در دست راست داشتی، آنان در دست چپ تو کردند، تو از این امر بسیار تعجب کردی و سببش را ندانستی، آنگاه نزدیک سر خود یاقوتی یافتی و آن را برداشتی اکنون همراه توست آن را به بازار ببر، که به هشتاد اشرفی خواهی فروخت و این یاقوت هدیه آن جنیان است که برای تو آورده بودند، خادم می گوید: یاقوت را به بازار بردم و به هشتاد اشرفی فروختم همانطور که آقايم فرموده بود.

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: کسی که هر شب در سفر «آیه الکرسی» را بخواند سالم بماند، و آنچه با اوست نیز سالم بماند، و در سفر بگوید:

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَسِيرِي عِبْرًا، وَصَمْتِي تَفَكُّرًا، وَكَلَامِي ذِكْرًا.

خدایا مسیرم را عبرت، و لب فرو بستنم را فکرت، و سخنم را ذکر قرار ده.

از حضرت سجاد علیه السلام روایت شده: اگر برای ضرر زدن به من جنّ و انس جمع شوند پروا نمی کنم، هرگاه این کلمات

آداب سفر

را بگویم:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ، وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ. اَللّهُمَّ اِلَيْكَ

به نام خدا، و با خدا، و از خدا و به سوی خدا و در راه خدا. پروردگارا خود را به تو

اَسَأَمْتُ نَفْسِي، وَ اِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي، وَ اِلَيْكَ فَوَّضْتُ

تسلیم کردم، و رویم را به جانب تو نمودم، و کارم را به تو

اَمْرِي، فَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْاِيْمَانِ، مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَ مِنْ خَلْفِي،

واگذار کردم، مرا به حفظ ایمان حفظ کن از پیش رویم، و از پشت سرم،

وَ عَن يَمِينِي وَ عَن شِمَالِي، وَ مِنْ فَوْقِي وَ مِنْ تَحْتِي، وَ ادْفَعْ عَنِّي

و از جانب راستم، و از طرف چپم، و از بالای سرم، و زیر پایم،

بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ؛ فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، اَلْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

و به حول و قوهات از من دفاع کن، چرا که قدرت و نیرویی نیست، مگر به خدای والای بزرگ.

مؤلف گوید: دعاها و آداب سفر بسیار است، و ما در اینجا به ذکر چند بخش از آنها اکتفا می کنیم.

اول: برای شخص سزاوار است، هرگاه سوار مرکب می شود

بِسْمِ اللَّهِ را ترک نکند. دوم: توشه سفر را حفظ کرده، در

جای مورد اطمینان بگذارد، زیرا روایت شده: از فقه

مسافر، حفظ کردن توشه خود است. سوم: دوستان را کمک

کند، و از خدمت کردن و کار کردن در رفع حوایج ایشان

مضایقه نکند، تا خدا هفتادوسه اندوه را از او برطرف سازد،

و او را در دنیا از هم و غم پناه دهد و اندوه بزرگ روز

قیامت را از او دفع کند. روایت شده: حضرت سجاد علیه السلام

آداب سفر

سفر نمی کرد مگر با اشخاصی که آن حضرت را شناسند، به خاطر اینکه به آنها کمک کند، زیرا اگر حضرت را می شناختند نمی گذاشتند ایشان کاری انجام دهد و از اخلاق پسندیده رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نقل شده زمانی با اصحاب در سفر بودند، خواستند گوسفندی را ذبح کنند، یکی از اصحاب گفت: ذبح گوسفند با من، دیگری گفت پوست کندنش با من، دیگری گفت: پختنش با من، حضرت فرمود: جمع کردن هیزمش با من، عرضه داشتند: شما زحمت نکشید، ما هیزم فراهم می کنیم، فرمودند: می دانم شما این کار را خواهید کرد، ولی من دوست ندارم که نسبت به شما امتیازی داشته باشم، زیرا خدا کراهت دارد، بنده اش را ببیند، که خویش را بر دوستانش فضیلت داده باشد، بدان که ثقیل ترین مردم نزد دوستان، کسی است که در عین سلامت و صحت اعضایش، تبلی می کند و دست به کاری نمی برد، و منتظر است، کارهایش را دیگران انجام دهند! چهارم: در سفر، با کسی همراه باشد، که در خرج کردن نظیر اوست. پنجم: از آب منزلی نیاشامد، مگر بعد از آنکه آن را با آب منزل قبل ممزوج کند و برای مسافر لازم است مقداری از خاک شهر خود و طینتی که بر آن تربیت شده بردارد و به

آداب سفر

هر منزلی که وارد می‌گردد، کمی از آن خاک را در ظرف آب خود بریزد، و ظرف را حرکت دهد، سپس ظرف را به زمین گذاشته، صبر کند تا آب آن صاف شود، آنگاه بنوشد. ششم: اخلاقش را نیکو نماید و بردباری را زینت خود گرداند، در آداب زیارت امام حسین علیه السلام آنچه مناسب این مقام است بیاید [صفحه ۱۰۰۷] هفتم: برای سفرش توشه بگیرد، و از شرافت آدمی است که توشه خود را به ویژه در سفر مکه نیکو گرداند، آری در سفر زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام برداشتن توشه، از غذاها و خوراکیهای لذیذ پسندیده نیست، چنان که این نکته در باب زیارت آن حضرت بیاید. و ابن اعمش گفته است:

مِنْ شَرَفِ الْإِنْسَانِ فِي الْأَسْفَارِ تَطْيِيبُهُ الزَّادَ مَعَ الْإِكْثَارِ

از شرف انسان در سفرها دلپسند نمودن توشه و فراوان برداشتن به آن است

وَلِيُحْسِنَ الْإِنْسَانُ فِي حَالِ السَّفَرِ أَخْلَاقَهُ وَزِيَادَةَ عَلَى الْمُحْضِرِ

انسان باید در حال سفر نیکو کند اخلاقش را بیشتر از وقتی که در وطن است

وَلْيَدْعُ عِنْدَ الْوَضْعِ لِلْخَوَانِ مَنْ كَانَ حَاضِرًا مِنَ الْإِخْوَانِ

و باید هنگام انداختن سفره دعوت کند از برادرانش هر کسی را که حاضر است

وَلْيُكْثِرِ الْمَرْحَ مَعَ الصَّحْبِ إِذَا لَمْ يُسْخِطِ اللَّهَ وَ لَمْ يَجْلِبْ أَدَى

و باید به همراهان مزاح کند در حالی که خدا را به غضب نیاورد و موجب آزار نگردد

مَنْ جَاءَ بَلَدَةً فَذَا ضَيْفٌ عَلَى إِخْوَانِهِ فِيهَا إِلَى أَنْ يَرْحَلَا

کسی که به شهری وارد شود مهمان است بر برادرانش تا از آنجا کوچ کند

آداب سفر

يُبْرُّ لَيْلَتَيْنِ ثُمَّ لِيَأْكُلِ مِنْ أَكْلِ أَهْلِ الْبَيْتِ فِي الْمُسْتَقْبَلِ

تا دو شب پذیرایی شود،

از خوراک معمولی

آنگاه باید بخورد

هشتم: آنچه در سفر رعایت آن خیلی مهم است، محافظت بر نمازهای واجب است، با شرایط و حدود آن در اوایل اوقات، چه آنکه از حاجیان و زائران بسیار مشاهده شده که در راه سفر نمازهای واجب خود را ضایع کردند، به خاطر آنکه یا در وقت بجا نیاوردند، یا در حال سوار بودن بر مرکب خواندند، یا با تیمم بی جا و یا با نجاست جامه و بدن ادا کردند، که تمام اینها از بی‌مبالاتی و سبک شمردن شأن نماز بوده، و حال آنکه در روایتی از حضرت صادق عليه السلام نقل شده که نماز واجب از بیست حج بهتر است، و یک حج بهتر است از خانه‌ای که پر از طلا باشد، و آن طلاها را صدقه دهند تا تمام شود، و پس از نمازهای شکسته گفتن سی مرتبه: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» را ترک مکن که نسبت به آن تأکید بسیار شده است.

آداب زیارت

فصل اول: آداب زیارت

آداب زیارت بسیار است، در این فصل به بیان چند مورد اکتفا می‌شود: اول: انجام غسل، پیش از بیرون رفتن برای سفر زیارت. دوم: ترک کلام بیهوده و لغو و مخاصمه و مجادله در راه. سوم: غسل کردن برای زیارت هر یک از امامان، و نیز اینکه بخواند دعای وارد، درباره آن را، و آن دعا در اول زیارت وارث بیاید. [صفحه ۱۰۴۶] چهارم: طهارت از حدث کبری و صغری. پنجم: پوشیدن جامه‌های پاک و پاکیزه و نو، و سفید بودن رنگ آن نیکوست. ششم: گامها را به وقت رفتن به روضه مقدسه کوتاه برداشتن و به آرامی و وقار حرکت کردن، و خاضع و خاشع بودن، و سر به زیر انداختن، و به بالا و اطراف خود التفات نکردن. هفتم: خوشبو نمودن خود، در غیر زیارت امام حسین علیه السلام. هشتم: زبان را به وقت رفتن به حرم مطهر به ذکر و تکبیر و تحمید و تسبیح و تهلیل مشغول ساختن، و به صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد علیهم السلام دهان را معطر کردن. نهم: ایستادن بر در حرم شریف و درخواست اذن دخول و سعی در تحصیل رقت قلب و خضوع و شکستگی خاطر با

آداب زیارت

کمکِ تصوّر و فکر در عظمت و جلالت قدر صاحب آن مرقد منور، با توجه به این نکته که صاحب قبر ایستادن او را می‌بیند، و کلام او را، می‌شنود و سلام او را جواب می‌دهد، چنان که در وقت خواندن اذن دخول به همه این واقعیات گواهی می‌دهد، و تدبّر نماید در محبت و لطفی که ایشان به شیعیان و زائران خود دارند و تأمل کند در خرابیهای حال خود و مخالفتهایی که با آن بزرگواران کرده، و دستورهای زیادی که از ایشان عمل نکرده و آزارها و اذیتهایی که از او به ایشان یا خاصان و دوستان آن بزرگواران رسیده که بازگشت نتیجه همه این اعمال، آزرده شدن ایشان است؛ و اگر به حقیقت و راستی، در وضع خود بنگرد، قدمهایش از رفتن باز بایستد، و قلبش هراسان، و چشمش گریان شود، و این روح تمام آداب است.

در اینجا مناسب است اشعار سخاوی و روایتی را که علامه مجلسی در کتاب بحار الانوار از عیون المعجزات نقل کرده ذکر کنیم، اما اشعار سخاوی که در حال زیارت تمثّل به آنها شایسته است این است:

قالوا غداً نأتی ديار الحمی و یزّل الرّكبُ بمغناهمُ

گفتند فردا به سرزمین

فَرَق شده می‌رسیم

و کاروان به

دولت‌سرای آنان بارانندازد

آداب زیارت

فَكُلُّ مَنْ كَانَ مُطِيعًا لَهُمْ أَصْبَحَ مَسْرُورًا بِلُقْيَاهُمْ

پس هر که فرمانبردار ایشان بوده بدیدارشان شادمان گردد

قُلْتُ فَلْيَ ذَنْبُ فَمَا حِيلَتِي بَأَيِّ وَجْهِ اتَّلَقَاهُمْ

گفتم چاره من گنهگار چیست و با چه رویی ایشان را دیدار کنم

قَالُوا أَلَيْسَ الْعَفْوُ مِنْ شَأْنِهِمْ لَا سِيَّامَنَّ تَرَجَّاهُمْ

گفتند مگر عفو شیوه آنان نیست که به آنان امید بست

فَجِئْتُهُمْ أَسْعَى إِلَىٰ بَابِهِمْ أَرْجُوهُمْ طَوْرًا وَ أَخْشَاهُمْ

به محضرشان آمدم و به درگاهشان شتافتم یک بار به آنان امید دارم و بار دیگر ترس و بیم از آنها

و نیز شایسته است متمثل شود به این اشعار:

هَا عَبْدُكَ وَاقِفٌ ذَلِيلٌ بِالبَابِ يَمُدُّكَ كَفَّ سَائِلٌ
 قَد عَزَّ عَلَىٰ سَوْءِ حَالِي مَا يَفْعَلُ مَا فَعَلْتُ عَاقِلٌ
 يَا أَكْرَمَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ عَن بَابِكَ لَا يُرَدُّ سَائِلٌ

و هم بگوید:

شاهها چو تو را سگی نباید گر من شوم آن سگ تو شاید
 هستم سگکی ز حبس جسته بر شاخ گل هوات بسته
 خود را به خودی کشیده از جُل پیش تو کشیده از سر ذُل
 افکن نظری بر این سگ خویش سنگم مزن و مرانم از پیش

و اما آن روایت شریف به روایت مجلسی: وقتی ابراهیم جمال که یکی از شیعیان بود، می خواست خدمت علی بن

آداب‌یارت

یقطین برسد، از باب اینکه ابراهیم ساربان بود، و علی بن یقطین وزیر هارون الرشید، و از نظر ظاهر، شأن ابراهیم نبود که در مجلس وزیر مملکت وارد شود، او را راه نداد!! اتفاقاً در همان سال علی بن یقطین به حج مشرف شد، خواست در شهر مدینه خدمت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام برسد، حضرت او را بار نداد، روز بعد آن حضرت را در بیرون خانه ملاقات کرد، عرضه داشت: ای سید من، تقصیر من چه بوده که مرا بار ندادید؟ فرمود: به خاطر اینکه برادرت ابراهیم جمال را بار ندادی و خدا ایا فرموده از اینکه سعی تو را قبول کند، مگر بعد از آنکه ابراهیم تو را عفو کند. علی بن یقطین گفت: گفتم: ای سید و مولای من در این وقت ابراهیم را کجا ملاقات کنم، من در مدینه و او در کوفه است؟ فرمود: هرگاه شب برسد تنها به بقیع برو، بی آنکه از اصحاب و غلامان تو کسی خبردار شود، در آنجا شتری زین کرده خواهی دید، آن شتر را سوار می شوی و به کوفه می روی، شب به بقیع رفت، بر آن شتر سوار شد به اندک زمانی به خانه ابراهیم جمال رسید، شتر را خوابانید، و در زد، ابراهیم گفت کیستی؟ گفت: علی بن یقطینم، ابراهیم گفت: علی بن یقطین بر در خانه من چه می کند؟! فرمود بیا

آداب زیارت

بیرون که امر من عظیم است و او را سوگند داد که اذن ورود دهد، چون داخل خانهٔ ابراهیم شد، گفت: ای ابراهیم آقا و مولا، از اینکه عمل مرا قبول نماید ابا فرموده، مگر آنکه تو از من بگذری! ابراهیم گفت: عَفَرَ اللَّهُ لَكَ [خدا تو را بیامرزد]، پس علی بن یقظین صورت خود را بر خاک گذاشت و ابراهیم را قسم داد که پای روی صورت من بگذارد، و صورتم را زیر پایت بمال، ابراهیم امتناع کرد، علی بن یقظین او را قسم داد که چنین کند. ابراهیم پا به صورت علی بن یقظین گذاشت و روی او را زیر پای خود مالید و علی بن یقظین می گفت: اللَّهُمَّ اشْهَدْ [خدایا گواه باش] سپس بیرون آمد و سوار بر آن مرکب شد و همان شب به مدینه بازگشت، و شتر را بر در خانهٔ حضرت موسی بن جعفر علیه السلام خوابانید، آنگاه حضرت او را اذن داد که بر آن جناب وارد شود، و حضرت کار او را قبول فرمود. از دقت در این خبر معلوم می شود، که حقوق برادران دینی تا چه اندازه پر اهمیت است! **دهم:** بوسیدن عتبهٔ عالیه و آستانهٔ مبارکه است، و شیخ شهید فرموده: اگر زیارت کننده سجده کند و نیتش این باشد، که خدا را به شکرانه اینکه مرا به این مکان رسانده، سجده می کنم بهتر است. **یازدهم:** مقدم

آداب زیارت

داشتن پای راست به وقت وارد شدن، و مقدم داشتن پای چپ به وقت بیرون آمدن، مانند ورود به مساجد و خروج از آنها. **دوازدهم:** رفتن به نزد ضریح مطهر، به طوری که بتواند خود را به آن بچسباند، و توهم آن که دور ایستادن ادب است و هم است، زیرا تکیه کردن بر ضریح و بوسیدن آن، در آثار وارد شده است **سیزدهم:** در وقت زیارت پشت به قبله و ایستادن رو به قبر منور و ظاهراً این ادب مختص به معصوم است، چون از خواندن زیارت فارغ شد، گونه راست را به ضریح بگذارد و به حال تضرع دعا کند، سپس گونه چپ را بگذارد و خدا را به حق صاحب قبر بخواند که او را از اهل شفاعت آن بزرگوار قرار دهد و در دعا مبالغه و اصرار ورزد، آنگاه به سمت سر مطهر برود، و رو به قبله بایستد و دعا کند. **چهاردهم:** ایستادن در وقت خواندن زیارت البته اگر عذری از ضعف و درد کمر و درد پا و غیر آنها ندارد **پانزدهم:** گفتن تکبیر به هنگام دیدن قبر مطهر، پیش از شروع زیارت، در روایتی آمده: هر که پیش روی امام عَلَيْهِ السَّلَامُ تکبیر گوید، و پس از آن بگوید: **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، لَا شَرِيكَ لَهُ؛** برای او رضوان الله الأكبر نوشته شود. **شانزدهم:** خواندن زیارت‌های روایت شده در کتب معتبر، و

آداب زیارت

زیارت‌های رسیده از سادات آنام آئمه طاهرین علیهم‌السلام، و ترک خواندن زیارتهای اختراع شده، که بعضی بی‌خردان از عوام، آنها را، با بعضی از زیارات تلفیق کرده، و نادانان را به آن مشغول ساخته‌اند. شیخ کلینی از عبد الرحیم قصیر روایت کرده: که گفت: بر امام صادق علیه‌السلام وارد شدم، و گفتم: فدایت شوم از پیش خود دعایی اختراع کردم، فرمود: مرا از اختراع خود واگذار، هرگاه تو را حاجتی دست دهد، به حضرت رسول پناه بر و دو رکعت نماز بجای آر و به سوی آن حضرت هدیه کن ... تا آخر خبر. هفدهم: بجا آوردن نماز زیارت که اقل آن دو رکعت است شیخ شهید فرموده: اگر زیارت پیامبر است، نماز را در روضه مطهره بجا آورد و اگر در حرم یکی از امامان است، در بالای سر بخواند، و اگر آن دو رکعت را در مسجدی که معمولاً بالای سر قبر امامان است بجا آورد جایز است، و علامه مجلسی (ره) فرموده: نماز زیارت و غیر آن را به گمان فقیر، در پشت قبر و بالای سر بجا آوردن بهتر است، و علامه بحر العلوم نیز در کتاب «دُرّه» فرموده است:

وَمِنْ حَدِيثِ كَرْبَلَا وَالْكَعْبَةِ لِكَرْبَلَا بَانَ عَلُو الرُّتْبَةِ

آداب زیارت

وَاغْيَرُهَا مِنْ سَائِرِ الْمَشَاهِدِ أَمْثَالُهَا بِالنَّقْلِ ذِي الشَّوَاهِدِ

و غیر آن از سایر مشاهد مانند آن است به موجب روایات با شواهد

وَرَاعٍ فِيهِنَّ اقْتِرَابَ الرَّمَسِ وَآثِرَ الصَّلَاةِ عِنْدَ الرَّأْسِ

نزدیکی به قبر را در آن مشاهد رعایت کن و نماز خواندن بالای سر را انتخاب کن

وَصَلِّ خَلْفَ الْقَبْرِ فَالصَّحِيحُ كَغَيْرِهِ فِي نَدْبِهَا صَرِيحٌ

و در پشت قبر نماز بخوان که روایت صحیح و غیر صحیح در استحباب آن صریح است

وَالْفَرْقُ بَيْنَ هَذِهِ الْقُبُورِ وَغَيْرِهَا كَالنُّورِ فَوْقَ الطُّورِ

و فرق بین این قبور شریف و قبرهای دیگر مانند نور بالای طور است

فَالسَّعْيُ لِلصَّلَاةِ عِنْدَهَا نُدْبٌ وَقُرْبُهَا بَلِ اللُّصُوقِ قَدْ طُلِبَ

پس سعی برای نماز در کنار آنها مستحب است و نزدیکی بلکه چسبیدن به آنها مطلوب است

هجدهم: اگر برای آن زیارتی که نماز می خواند، کیفیت

مخصوصی برای نمازش ذکر فرموده باشند، در رکعت اول

آن سوره یس، و در رکعت دوم سوره الرحمن بخواند، و

بعد از نماز به آنچه وارد شده دعا کند، یا به آن چه برای

دین و دنیای خود بخاطر او می رسد، و دعا را عمومیت دهد

[یعنی در حق دیگران نیز دعا کند] زیرا که به اجابت نزدیک تر

است. **نوزدهم:** شیخ شهید فرموده: کسی که وارد حرم مطهر

شود، و ببیند نماز جماعت برپا شده، پیش از زیارت ابتدا به

نماز کند، و همچنین اگر وقت نماز شده، زیارت را ترک

کند و وارد نماز گردد، و اگر وقت نماز نیست، شروع به

زیارت بهتر است، چرا که زیارت نهایت مقصد اوست و

اگر بین زیارت نماز اقامه شد، برای زائران مستحب است،

آداب زیارت

زیارت را قطع کنند، و به نماز روی آرند، که ترک نماز کراهت دارد، و بر کارگزاران حرم است که مردم را امر به نماز کند. بیستم: شیخ شهید تلاوت قرآن را نزد ضرایح مطهره، و هدیه کردن آن را به روح مقدس امام زیارت شده، از جمله آداب زیارت شمرده، که سود آن به زیارت کننده باز می‌گردد، و متضمن تعظیم امام زیارت شده علیه السلام نیز می‌گردد. بیست و یکم: ترک کردن سخنان ناشایست، و کلمات لغو و بیهوده و دوری جستن از صحبت‌های دنیایی، که همیشه در هر جا مدموم و قبیح و مانع رزق و موجب قساوت قلب است، به خصوص در این بارگاه‌های مطهر، و قبه‌های بلندپایه، که خدا در سوره «نور» از بزرگی و جلالت آنها خبر می‌دهد، آنجا که می‌فرماید: ﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ...﴾ تا آخر آیه. بیست و دوم: بلند نکردن صدای خود در وقت زیارت، چنان که در هدیه الزائرین ذکر کردم. بیست و سوم: وداع کردن امام در وقت بیرون رفتن از شهر آن حضرت به زیارت و داعی که در روایت رسیده است یا به غیر آن. بیست و چهارم: توبه و استغفار کردن از گناهان، و بهتر کردن حال و کردار و گفتار خود، پس از فراغ از زیارت از آنچه پیش از زیارت دارا بوده است. بیست و پنجم: انفاق

آداب زیارت

کردن به خادمان آستانه شریفه به اندازه‌ای که میسر است و شایسته است خدام آن محل شریف از اهل خیر و صلاح و صاحب دین و مروت باشند و آنچه از زائران می‌بینند تحمل کنند، و خشم خود را بر ایشان فرو نشانند. و بر آنان غلظت و درشتی روا ندارند و بر قضای حوایج محتاجان اقدام کنند و غریبان را در صورت گم کردن راه مقصد، راهنمایی و دلالت نمایند. در هر صورت خدام باید در خدمات لازمه، از تنظیف و حراست و محافظت زائران و غیره به حقیقت و راستی مشغول باشند. بیست و ششم: انفاق و احسان بر فقرای مجاور حرم و مساکین آبرومند شهر امام به ویژه سادات و اهل علم و آنان که فقط مشغول تحصیل علمند، و به تلخی غربت و تنگدستی مبتلایند، و همواره پرچم بزرگداشت شعائر الهی را بر پا کرده، و جهاتی را دارا هستند، که ملاحظه هر یک از آنها، در لزوم اعانت و رعایت آنها کافی است. بیست و هفتم: شیخ شهید فرموده: از جمله آداب، شتاب کردن در برگشت از شهر زیارتی است، البته زمانی که بهره خود را از زیارت درک کرده باشد، و این شتاب برای فزونی تعظیم و احترام و شدت شوق به رجوع، برای زیارت بعد از آن است، و نیز فرموده: زنان در وقت زیارت باید

آداب زیارت

خود را از مردان جدا کرده، و تنها به زیارت پردازند و اگر شب به زیارت اقدام کنند بهتر است. و باید در وضع ظاهر خود، تغییر دهند، یعنی لباس عالی و خوب را به لباس‌های معمولی تبدیل کنند، تا شناخته نشوند، و حتی الامکان مخفی و پنهان بیرون آیند که کمتر دیده شوند، و شناخته گردند، و نیز اگر همراه مردان زیارت کنند جایز است، اگر چه کراهت دارد. مؤلف گوید: از این کلمات، کثرت قبح و زشتی آنچه فعلاً معمول شده، که زنان به اسم تشرّف به زیارت خود را آرایش کرده، با لباسهای نفیس از خانه‌ها بیرون می‌آیند، و در حریمهای مطهر با نامحرمان برخورد می‌کنند، و به بدنهای ایشان فشار می‌آورند، یا خود را متصل به ضرایح مطهر کرده، یا روبروی مردان نشسته مشغول به زیارت خواندن شده و حواس مردم را پیریشان کرده، عبادت‌کنندگان از زائران و نمازگزاران و متضرّعان، و گریه‌کنندگان را از کار خود بازداشته، و داخل در زمره صادّین عن سبیل الله [آنان که راه خدا را به روی بندگان خدا می‌بندند] می‌شوند، و غیر اینها، در حقیقت، زیارت اینگونه از زنان را باید از منکرات شرع شمرد، نه از عبادات، و داخل در محرمات دانست نه قُرّبات.

آداب زیارت

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: که امیرالمؤمنین علیه السلام به اهل عراق فرمود:

يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ، نُبِّئْتُ أَنَّ نِسَاءَكُمْ يُؤَافِينَ الرَّجَالَ فِي الطَّرِيقِ؛

به من خبر رسیده که زنان شما در کوچه و بازار، به نامحرمان برمی خورند،

أَمَا تَسْتَحْيُونَ؟! وَقَالَ: لَعَنَ اللَّهُ مَنْ لَا يُغَارُ. وَفِي الْفَقِيهِ،

آیا حیانتی کنید؟ سپس فرمود: خدا لعنت کند کسی را که غیرت ندارد. و در کتاب

رَوَى الْأَصْبَغُ بْنُ نَبَاتَةَ، عَنِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ،

«من لایحضره الفقیه» اصبح بن نباته از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که

قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: يَظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ، وَاقْتِرَابِ السَّاعَةِ،

گوید: از آن حضرت شنیدم می فرمود: در آخر الزمان، و نزدیکی قیامت،

وَهُوَ شَرُّ الْأَزْمِنَةِ، نِسْوَةٌ كَاشِفَاتُ عَارِيَاتٍ، مُتَبَرِّجَاتٌ مِّنْ

که بدترین زمانهاست نمایان شوند زنانی که برهنه و عریان اند، و خود را برای

الدِّينِ، [خَارِجَاتٌ] دَاخِلَاتٌ فِي الْفِتَنِ، مَاثِلَاتٌ إِلَى الشَّهَوَاتِ،

مردان بیگانه آرایش می کنند، اینها از دین خارجند و در فتنه ها داخلند، به شهوات مایلند،

مُسْرِعَاتٌ إِلَى اللَّذَاتِ، مُسْتَحِلَّاتُ الْمُحَرَّمَاتِ، فِي جَهَنَّمَ

و به سوی لذتها شتابانند، و حلال شمارندگان محرماتند، جاودانه

خَالَدَاتٌ.

در دوزخ اند!!

بیست و هشتم: شایسته است، مواقعی که زائر زیاد است،

کسانی که نزدیکتر به ضریح هستند، زیارت خود را

خلاصه تر نموده، و از ضریح دور شوند، تا دیگران هم مانند

آنان به نزدیکی ضریح دست یابند. مؤلف گوید: ما در مقام

آداب زیارت

زیارات حضرت سید الشهداء علیه السلام آدابی را که باید زائران آن جناب رعایت کنند، نقل خواهیم کرد. [صفحه ۱۰۰۷]

اذنِ خولِ حرَمهایِ شریفه

فصل دوم: اذنِ خولِ حرَمهایِ شریفه

در اینجا دو اذن دخول ذکر می شود: **اَوَّل** شیخ کفعمی فرموده: چون خواستی به مسجد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ یا یکی از مشاهد مشرفه ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وارد شوی بگو:

اللَّهُمَّ اِنِّي وَقَفْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ ابْوَابِ بُيُوتِ نَبِيِّكَ ، صَلَوَاتُكَ

خدایا بر دری از درهای خانه های پیامبرت (درود تو بر او و خاندانش)

عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَقَدْ مَنَعْتَ النَّاسَ اَنْ يَدْخُلُوا اِلَّا بِاِذْنِهِ ، فَقُلْتَ:

ایستاده ام، تو مردم را از اینکه بدون اجازه اش وارد شوند منع کرده ای، در قرآن فرمودی:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ، لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ اِلَّا اَنْ يُؤْذَنَ

ای آنان که ایمان آورده اید، به خانه های پیامبر وارد نشوید، مگر به شما

لَكُمْ ﴾ . اللَّهُمَّ اِنِّي اَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ هَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ

اجازه دهند. خدایا من حرمت صاحب این زیارتگاه شریف را

فِي غَيْبَتِهِ ، كَمَا اَعْتَقِدُهَا فِي حَضْرَتِهِ ، وَاَعْلَمُ اَنَّ رَسُوْلَكَ

در غیابش باور دارم چنان که در حضورش، و می دانم که رسولت

وَخُلَفَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، اَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ ، يَرَوْنَ

و جانشینانت (درود بر آنان باد) همواره زنده اند، و نزد تو روزی داده می شوند، محل ایستادنم

مَقَامِي ، وَيَسْمَعُونَ كَلَامِي ، وَيَرُدُّونَ سَلَامِي ، وَاَنَّكَ حَجَبْتَ

را می بینند، و سخنم را می شنوند، و به سلامم پاسخ می دهند، ولی تو

عَنْ سَمْعِي كَلَامَهُمْ ، وَاَفْتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَاذِي مُنَاجَاتِهِمْ ؛ وَاِنِّي

گوشم را از شنیدن کلامشان محجوب کرده ای، و در فهم مرا به چشیدن لذت مناجاتشان باز کرده ای،

اَسْتَاذِنُكَ يَا رَبِّ اَوْلَا ؛ وَاَسْتَاذِنُ رَسُوْلَكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

من از تو ای پروردگارم اجازه می خواهم اولاً، و از پیامبرت اذن

وَاِلَيْهِ ثَانِيًا ؛ وَاَسْتَاذِنُ خَلِيْفَتَكَ الْاِمَامَ الْمَفْرُوْضَ (الْمُفْتَرَضَ)

می خواهم ثانیاً، و از خلیفه ات امامی که اطاعتش را بر من واجب کرده ای

اذنِ خولِ حرمهای شریفه

عَلَى طَاعَتِهِ، فَلَانَ بْنِ فَلَانَ؛ وَبِهِ جَاى «فَلَانَ بْنِ فَلَانَ» آن

اجازه می‌خواهم

امامی را که می‌خواهد زیارت کند و پدرش را نام ببرد، مثلاً
اگر زیارت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام است بگوید: الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ؛
و اگر زیارت امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام است بگوید: عَلِيٌّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا؛
همچنین امامان دیگر. سپس بگوید:

وَالْمَلَائِكَةَ الْمُؤَكَّلِينَ، بِهَذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ ثَلَاثًا؛ أَدْخُلُ يَا

و فرشتگان گماشته شده به این بارگاه مبارک ثلاثاً، آیا وارد شوم ای

رَسُولَ اللَّهِ؟ أَدْخُلُ يَا حُجَّةَ اللَّهِ؟ أَدْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ

رسول خدا! آیا وارد شوم ای حجت خدا؟، آیا وارد شوم ای فرشتگان

الْمُقَرَّبِينَ، الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ؟ فَأَذِّنْ لِي يَا مَوْلَاى فِي

مقرب خدا، که در این زیارتگاه اقامت دارید، پس مرا برای وارد شدن ای مولایم

الدُّخُولِ، أَفْضَلَ مَا أَدْنَتْ لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ، فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا

اجازه ده، به بهترین اجازه‌ای که به یکی از دوستانت داده‌ای، چنانچه من لایق

لِذَلِكَ، فَأَنْتَ أَهْلٌ لِذَلِكَ (لَهُ). پس عتبه مبارکه را بیوس و

آن اجازه نیستم ولی تو لایق آنی

وارد شو و بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى

به نام خدا، و به خدا، و در راه خدا، و بر آیین رسول خدا (درود خدا

اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي، وَ تُبِّ عَلَيَّ؛ إِنَّكَ أَنْتَ

بر او و خاندانش باد) خدا یا مرا ببامرز و به من رحم کن، و توبه‌ام را بپذیر، زیرا تویی بسیار

التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.

توبه‌پذیر مهربان.

اذنِ خولِ مرئیای شریفه

دوم: اذن دخولی است که علامه مجلسی (ره) از نسخه‌ای قدیمی از نوشته‌های اصحاب برای ورود به سرداب مقدس، و بارگاههای نورانی ائمه علیهم‌السلام به این صورت نقل فرموده

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ بُقْعَةٌ طَهَّرْتَهَا، وَعَقْوَةٌ شَرَّفْتَهَا، وَمَعَالِمٌ زَكَّيْتَهَا،

خدایا این بقعه‌ای است که تو پاکش نمودی، و کوی است که شرافتش دادی، و نشانه‌هایی است که پاکیزه‌اش ساختی،

حَيْثُ أَظْهَرْتَ فِيهَا أَدَلَّةَ التَّوْحِيدِ، وَأَشْبَاحَ الْعَرْشِ الْمَجِيدِ،

به خاطر اینکه در آنجا آشکار کردی دلایل توحید، و نمونه‌های عرش مجید را،

الَّذِينَ اصْطَفَيْتَهُمْ مُلُوكًا لِحِفْظِ النَّظَامِ، وَاخْتَرْتَهُمْ

آنان که به عنوان فرمانروا برگزیدی، برای حفظ نظام، و انتخاب کردی

رُؤَسَاءَ لِجَمِيعِ الْأَنَامِ، وَبَعَثْتَهُمْ لِقِيَامِ الْقِسْطِ، فِي ابْتِدَاءِ

برای ریاست بر تمام خلق، و برانگیختی برای قیام به عدالت، در آغاز

الْوُجُودِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، ثُمَّ مَنَنْتَ عَلَيْهِمْ بِاسْتِنَابَةِ أَنْبِيَائِكَ،

هستی، تا روز قیامت، سپس بر آنان به جانشینی پیامبران،

لِحِفْظِ شَرَائِعِكَ وَأَحْكَامِكَ، فَأَكْمَلْتَ بِاسْتِخْلَافِهِمْ رِسَالَةَ

برای حفظ قوانین و احکامت منت نهادی، و با خلافت از پیامبران رسالت

الْمُنْذِرِينَ، كَمَا أَوْجَبْتَ رِيَاسَتَهُمْ فِي فِطْرِ الْمُكَلَّفِينَ؛

بیم‌دهندگان را کامل ساختی، چنان که ریاستشان را در فطرت مکلفین واجب کردی،

فَسُبْحَانَكَ مِنْ إِلَهٍ مَا أَرَأَيْكَ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مِنْ مَلِكٍ مَا

پس منزهی در عرصه معبودیت که چه اندازه مهربانی، و معبودی جز تو نیست در عرصه سلطنت

أَعْدَلُكَ، حَيْثُ طَابَقَ صُنْعُكَ مَا فَطَرْتَ عَلَيْهِ الْعُقُولَ، وَوَافَقَ

که چقدر دادگری زیرا هماهنگی کرد رفتارت، با آنچه خردها را بر آن سرشتی،

حُكْمُكَ مَا قَرَّرْتَهُ فِي الْمَعْقُولِ وَالْمَنْقُولِ؛ فَلَاكَ الْحَمْدُ عَلَى

و فرمانت موافق آمد، آنچه را در امور عقلی و نقلی مقرر نمودی، پس سپاس

اذنِ خولِ مرهمایِ شریفه

تَقْدِيرِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ، وَلَكَ الشُّكْرُ عَلَى قَضَائِكَ الْمُعَلَّلِ،

توراست بر اندازه گیری نیکوی زیبایت، و شکر توراست بر داوری ات، که معلّل

بِأَكْمَلِ التَّلْعِيلِ؛ فَسُبْحَانَ مَنْ لَا يُسْأَلُ عَنْ فِعْلِهِ، وَلَا يُنَازَعُ فِي

به کاملترین علتهاست، پس منزه است آن که از کارش بازخواست نشود، و با او در فرمانش منازعه

أَمْرِهِ، وَسُبْحَانَ مَنْ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ، قَبْلَ ابْتِدَاءِ

نگردد، منزه است آن که پیش از آغاز خلقتش رحمت را بر خود

خَلْقِهِ؛ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِحُكْمٍ يَقُومُونَ مَقَامَهُ، لَوْ

واجب کرد، و خدا را سپاس که به وجود زمامداری که جانشینان اویند، بر ما منت نهاد، اگر بر فرض

كَانَ حَاضِرًا فِي الْمَكَانِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، الَّذِي شَرَّفَنَا بِأَوْصِيَاءِ،

محال در مکانی حاضر می بود، و معبودی جز خدا نیست، که ما را به جانشینانی که قوانینش

يَحْفَظُونَ الشَّرَائِعَ فِي كُلِّ الْأَزْمَانِ؛ وَاللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي أَظْهَرَهُمْ لَنَا

را در همه زمانها حفظ کنند شرافت داد، و خدا بزرگتر است، که آنان را برای ما به وسیله

بِمُعْجَزَاتٍ، يَعْبُرُ عَنْهَا الثَّقَلَانِ. لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، الْعَلِيِّ

معجزاتی نمایاند، معجزاتی که جن و انس از آوردنش ناتوانند، جنبش و نیرویی نیست جز به خدای برتر

الْعَظِيمِ، الَّذِي أَجْرَانَا عَلَى عَوَائِدِهِ الْجَمِيلَةِ، فِي الْأُمَمِ السَّالِفِينَ.

بزرگ، که نعمتهای زیبایش در ملت‌های گذشته را برای ما نیز مقرر داشت.

اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشَّانُ الْعَلِيُّ، كَمَا وَجَبَ لَوَجْهِكَ الْبَقَاءُ

خدا یا سپاس و ثنای برتر، توراست، چنان که بر ذات ابدی بی نهایت واجب آمد،

السَّرْمَدِيُّ، وَكَمَا جَعَلْتَ نَبِيَّنَا خَيْرَ النَّبِيِّينَ، وَمَلُوكَنَا أَفْضَلَ

و همچنان که قرار دادی پیامبر ما را بهترین پیامبران، و امامانمان را برترین

الْمَخْلُوقِينَ، وَاخْتَرْتَهُمْ عَلَى عِلْمٍ عَلَى الْعَالَمِينَ، وَفَقْنَا لِلْسَّعْيِ إِلَى

مخلوقات، و برگزیدی آنان را از روی دانش، بر تمام جهانیان، ما را تا روز قیامت

أَبْوَابِهِمُ الْعَامِرَةِ، إِلَى يَوْمِ الدِّينِ؛ وَاجْعَلْ أَرْوَاحَنَا تَحْنُ إِلَى مَوْطِئِ

به شتافتن به درگاه آبادشان موفق بدار، و ارواح ما را چنان قرار ده که عاشقانه به سوی روش

أَقْدَامِهِمْ، وَنُفُوسَنَا تَهْوَى النَّظَرَ إِلَى مَجَالِسِهِمْ وَعَرَصَاتِهِمْ،

و منش ایشان بگراید، و جانهای ما را به صورتی که نظر به مجالسشان و آستانشان را دوست داشته باشد،

اذنِ خولِ مرہمائی شریفہ

حَتَّى كَانْنَا نَخَاطِبُهُمْ فِي حُضُورِ أَشْخَاصِهِمْ، فَصَلَّى اللَّهُ

به طوری که گویی در حضور خودشان با آنان به سخن برخاسته‌ایم، پس درود خدا

عَلَيْهِمْ مِنْ سَادَةِ غَائِبِينَ، وَمِنْ سُلَالَةِ طَاهِرِينَ، وَمِنْ أُمَّةٍ

بر ایشان، آن آقایان غایب از نظر، و آن پاک نژادان، و آن امامان

مَعْصُومِينَ . اَللّٰهُمَّ فَادِّنَا بِدُخُولِ هَذِهِ الْعَرَصَاتِ، الَّتِي

مَعْصُوم. خدایا به ما اجازه ورود بده به این

اسْتَعْبَدتْ بِزِيَارَتِهَا اَهْلَ الْاَرْضَيْنِ وَالسَّمَاوَاتِ، وَاَرْسَلَ

آستانهایی که اهل زمینها را به وسیله زیارتشان

دُمُوعَنَا بِخُشُوعِ الْمَهَابَةِ، وَذَلَّلَ جَوَارِحَنَا بِذُلِّ الْعُبُودِيَّةِ،

به عبادت واداشتی، و اشکمان را با خشوع در برابر مهابتت جاری کن،

وَفَرَضِ الطَّاعَةِ، حَتَّى نُقَرَّ بِمَا يَجِبُ لَهُمْ مِنَ الْاَوْصَافِ،

و اعضایمان را با فروتنی بندگی و وجوب طاعت فروتن گردان،

وَنَعْتَرِفَ بِاَنَّهُمْ شُفَعَاءُ الْخَلَائِقِ، اِذَا نُصِبَتِ الْمَوَازِينُ فِي يَوْمِ

تا به اوصافی که برای ایشان حتم کرده‌ای اقرار کنیم، و اعتراف نماییم به اینکه ایشان در روز

الْاَعْرَافِ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ، وَسَلَامٌ عَلٰى عِبَادِهِ الَّذِيْنَ اصْطَفٰى،

اعراف، زمانی که ترازوها نصب می‌شود، شفیعیان خلائقند، سپاس خدای را، و سلام بر بندگان برگزیده‌اش

مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الطَّاهِرِينَ .

محمد و اهل بیت پاکش.

پس عتبه را ببوس، و وارد شو، در حالی که خاشع و گریان

باشی، به درستی که، این جملات اجازه ورود به حریم

ایشان است، درود خدا بر همه آنان .

فصل نهم: زیارت پیامبر و فاطمه زهرا و ائمه بیعت

صلوات الله وسلامه علیکم اجمعین ورحمته

آگاه باش که در حق تمامی مردم به خصوص حاجیان مستحب مؤکد است، مشرف شدن به زیارت روضه مطهره و آستانه منوره، فخر عالمیان حضرت سید المرسلین محمد بن عبدالله صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ وَ تَرْكُ زِيَارَتِ آن حضرت، باعث جفا در حق او در قیامت است، و شیخ شهید فرموده: اگر مردم زیارت آن جناب را ترک کنند، بر امام است که ایشان را، برای رفتن به زیارت آن حضرت مجبور کند، زیرا ترک زیارت آن حضرت موجب جفای حرام است. شیخ صدوق از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت کرده: هرگاه یکی از شما حجّ کند، باید حجّش را به زیارت ما به پایان برساند، زیرا زیارت ما از تمامی حجّ است. و نیز از امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت کرده: حجّ خود را به زیارت رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تمام کنید، که ترک زیارت آن حضرت پس از حجّ جفا و خلاف ادب است، و شما را به این زیارت دستور داده‌اند و به زیارت قبری چند که خدا حق آنها

و زیارت آنها را بر شما لازم کرده بروید و کنار آن قبرها از خدا طلب روزی کنید، و نیز از ابو الصلت هروی روایت کرده که: خدمت حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: یا بن رسول الله، چه می فرمایی در حدیثی که اهل آن روایت می کنند، که مؤمنان در بهشت از منازلشان پروردگار خود را زیارت می کنند؟

کنایه از این که معنی حدیث اگر حدیث صحیحی باشد چیست؟ با آنکه شامل مطلبی است، که به حسب ظاهر با اعتقاد حق هماهنگی ندارد، حضرت پاسخ او را به این صورت فرمودند:

ای ابا صلت خدا پیامبرش محمد صلی الله علیه و آله را از جمیع خلقش حتی از پیامبران و ملائکه افضل قرار داد، و طاعت او را طاعت خود، و بیعت با او را بیعت با خود، و زیارت او را زیارت خود شمرد، چنان که فرمود:

﴿وَمَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ﴾؛ و فرمود: ﴿إِنَّ الَّذِينَ

هر که پیامبر را اطاعت کند خدا را اطاعت کرده آنان که با

يُطِيعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ، يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾.

تو بیعت می کنند در حقیقت با خدا بیعت می کنند دست خدا بالای دست آنان است

و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که مرا در حال حیات، یا پس از

مرگ زیارت کند، چنان است که خدا را زیارت کرده باشد تا آخر خبر. حمیری در کتاب «قرب الأسناد»، از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که مرا در حیات، یا پس از ممات زیارت کند، روز قیامت شفیع او می شوم. در حدیثی آمده: امام صادق علیه السلام روز عیدی در مدینه بود، به زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت، و به آن حضرت سلام داد و فرمود: ما بر اهل همه شهرها خواه مگه و خواه غیر مگه برتری داریم، به علت زیارت و سلامان به رسول خدا صلی الله علیه و آله. شیخ طوسی در «تهذیب»، از یزید بن عبد الملک روایت نموده است و او از پدرش، از جدش، که خدمت حضرت فاطمه علیها السلام مشرف شدم، آن حضرت به سلام بر من پیشی جست، آنگاه از من پرسید برای چه آمده‌ای؟ عرض کردم: برای طلب برکت و ثواب، فرمود: مرا خبر داد پدرم، و اینک حاضر است، که هر که بر او و بر من سه روز سلام کند، خدا بهشت را بر او واجب کند، گفتم: در حیات او و شما؟ فرمود: آری و نیز پس از مرگ ما. علامه مجلسی (ره) فرموده: در حدیث معتبر از عبد الله بن عباس نقل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که امام حسن علیه السلام را در بقیع زیارت کند، قدمش بر صراط ثابت

باشد، روزی که قدمها از آن بلغزد. در کتاب «مُقنعه» از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: هر که مرا زیارت کند گناهانش آمرزیده شود، و تهیدست و پریشان نمیرد. شیخ طوسی در «تهذیب» از حضرت عسگری علیه السلام روایت کرده: هر که حضرت صادق علیه السلام و پدرش حضرت باقر علیه السلام را زیارت کند درد چشم نکشد و بیماری و دردی به او نرسد و مبتلا نمیرد. ابن قولویه در کتاب «کامل الزیارات»، از هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام روایتی طولانی آورده که بخشی از جملات آن این است: مردی به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شد، و عرض کرد: آیا پدرت را باید زیارت کرد؟ فرمود: آری، عرضه داشت برای کسی که او را زیارت کند چه پاداشی است؟ فرمود: اگر اعتقاد به امامت او داشته باشد، و از او پیروی کند، بهشت پاداش اوست، عرض کرد کسی که از زیارت او اعراض کند چه خواهد شد؟ فرمود: در «یوم الحسرة» که روز قیامت است حسرت خواهد داشت. احادیث در این باب بسیار است، و برای متذکر شدن ما همین اندازه کافی و وفای است.

اما کیفیت زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین است: هرگاه به مدینه پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شدی، برای زیارت غسل کن، چون

خواستنی وارد مسجد آن حضرت شوی کنار در مسجد
بایست و اذن دخول اول را که در صفحات پیش گذشت
بخوان و از در جبریل وارد شو، و پای راست را وقت ورود
مقدم بدار، سپس صد مرتبه الله اکبر بگو، آنگاه دو رکعت
نماز تحیت مسجد بجا آور، و به جانب حجره شریفه برو، و
بر آن دست بگذار و آن را ببوس و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ؛ السَّلَامُ

سلام بر تو ای فرستاده خدا، سلام بر تو ای پیامبر خدا، سلام

عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ؛

بر تو ای محمد بن عبد الله، سلام بر تو ای خاتم پیامبران،

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ الرِّسَالَةَ، وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ،

شهادت می‌دهم که تو رسالت خویش را انجام دادی، و نماز را بپا داشتی، و زکات را پرداختی،

وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا

و به معروف امر نموده، و از منکر نهی کردی، و خدا را خالصانه عبادت کردی،

حَتَّىٰ آتَاكَ الْيَقِينُ؛ فَصَلَّوْا تُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ، وَعَلَىٰ أَهْلِ

تا مرگ تو را در رسید، دروهای خدا و رحمتش بر تو و اهل

بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ.

بیت پاکیزه‌ات.

پس رو به قبله نزد ستون جلو که از جانب راست قبر است
بایست، بطوری که دوش چپ به جانب قبر، و دوش راست
به جانب منبر که جایگاه سر رسول خدا ﷺ است قرار

گیرد و بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ [أَشْهَدُ] أَنَّ

شهادت می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه و بی شریک است، و شهادت می‌دهم

مُحَمَّدًا عَبْدَهُ وَرَسُولَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ، وَأَنَّكَ مُحَمَّدٌ

که محمد بنده و فرستاده اوست، و شهادت می‌دهم که تو رسول خدایی و اینکه تویی محمد

بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ، وَنَصَحْتَ

بن عبد الله، و شهادت می‌دهم که تو پیامهای پروردگارت را به مردم رساندی

لِأُمَّتِكَ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ حَتَّى آتَاكَ

و برای امتت خیرخواهی نمودی، و در راه خدا جهاد کردی

الْيَقِينَ، بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَأَدَيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ

با حکمت و موعظه و حسنه، و خدا را عبادت کردی تا مرگ تو را در رسید، و آنچه از

الْحَقِّ، وَأَنَّكَ قَدْ رَوَّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ، وَغَلَّظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ،

حق بر عهدهات بود ادا کردی، و نسبت به مردم مؤمن مهربان، و بر کافران سخت گیر بودی،

فَبَلَغَ اللَّهُ بِكَ أَفْضَلَ شَرَفٍ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ . الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

پس خدا تو را به برترین شرف مقام گرامی داشتگان برساند. خدا را سپاس که ما را

اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الشَّرِكِ وَالضَّلَالَةِ. اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ

به وسیله تو، از شرک و گمراهی رها کنید. خدایا قرار ده، درودهایت

وَ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقْرَبِينَ ، وَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ ،

و درودهای فرشتگان مقربت و پیامبران مرسلت

وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، وَأَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَمَنْ سَبَّحَ

و بندگان شایستهات و اهل آسمانها و زمینها، و هر که برایت تسبیح

لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، مِنْ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ

گفت ای پروردگار جهانیان از گذشتگان و آیندگان، بر محمد بنده

وَرَسُولِكَ، وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَنَجِيِّكَ، وَحَبِيبِكَ وَصَفِيِّكَ،

و رسول و پیامبرت و امین و محرم راز و محبوب و دوست خاص

زیارت حضرت نوح علیہ السلام

وَخَاصَّتِكَ وَصَفْوَتِكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ . اللَّهُمَّ أَعْطِهِ

و مخصوص و برگزیده‌ات، و انتخاب‌شده تو از میان خلقت. خدایا او را

الدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ، وَ آتِهِ الْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا

درجه بلند عطا کن، و او را از بهشت وسیله عنایت کن، و او را به مقام پسندیده‌ای

مَحْمُودًا، يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوْلَادُ وَالْآخِرُونَ . اللَّهُمَّ إِنَّكَ

برانگیز، که گذشتگان و آیندگان به او رشک برند، خدایا تو

قُلْتَ: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ، فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ

فرمودی، اگر اینان وقتی که به خود ستم کردند، نزد تو آمدند، پس از خدا

وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ، لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾؛ وَإِنِّي آتَيْتَكَ

درخواست آمرزش کردند، و رسول برای آنان آمرزش خواست، خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یابند،

مُسْتَغْفِرًا تَائِبًا مِنْ ذُنُوبِي، وَإِنِّي أَتُوجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكَ،

و من هم اکنون آمرزش‌خواه و توبه‌کننده به نزد تو آمدم، و به وسیله تو رو به جانب خدا، پروردگارم و پروردگار تو می‌کنم،

لِيَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي.

تا گناهانم را ببامزد.

و اگر تو را حاجتی باشد، قبر مطهر را پشت کتف خود قرار

ده، و رو به جانب قبله کن و دستها را به سوی خدا بردار و

حاجت خویش را بخواه، که سزاوار است بر آورده شود، ان

شاء الله تعالى. ابن قولویه به سند معتبر از محمد بن مسعود

روایت کرده که گفت: دیدم امام صادق عليه السلام نزد قبر رسول

خدا صلی الله علیه و آله آمد، و دست مبارک را بر قبر گذاشت و گفت:

أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي اجْتَبَاكَ وَاخْتَارَكَ، وَهَدَاكَ وَهَدَى بِكَ، أَنْ

از خدا که تو را برگزید و انتخاب کرد و هدایت نمود، و مردم را به وسیله تو هدایت کرد، می‌خواهم که

يُصَلِّيَ عَلَيْكَ . سِپَسِ چنين خواند: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ

بر تو درود فرستد، به درستی که خدا و فرشتگانش

يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ ؛ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا، صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا

بر پیامبر درود می فرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود فرستید و سلام کنید

تَسْلِيمًا .

سلامی کامل.

شیخ طوسی در کتاب «مصباح» فرموده: چون کنار قبر شریف از دعا فارغ شدی، نزد منبر برو، و بر آن دست بمال و دو قبۀ پایین منبر را که مانند انار است بگیر و صورت و چشمهای خود را به آن بمال که در آن شفای چشم است و نزد منبر بایست و حمد و ثنای الهی را بجای آور، و حاجت خود را بخواه، که رسول خدا ﷺ فرمود: بین قبر و منبر من باغی است از باغهای بهشت و منبر من بر دریست از درهای بهشت، سپس به مقام پیامبر می روی، و در آنجا آنچه خواهی نماز بجا می آوری، و در مسجد پیامبر بسیار نماز بخوان، به درستی که نماز در آن برابر با هزار نماز است و هرگاه داخل مسجد شوی یا بیرون روی بر آن حضرت صلوات فرست، و در خانه فاطمه زهرا نماز گزار و به مقام جبرئیل که زیر ناودان است برو، که محل ایستادن جبرئیل در هنگام اذن دخول خواستن از پیامبر ﷺ آنجا بوده و بگو:

أَسْأَلُكَ أَيَّ جَوَادٍ أَيَّ كَرِيمٍ، أَيَّ قَرِيبٍ أَيَّ بَعِيدٍ، أَنْ تَرُدَّ عَلَيَّ

از تو می خواهم ای بخشنده، ای بزرگوار، ای نزدیک، ای دور، که نعمت را به

نِعْمَتِكَ.

من بازگردانی.

آنگاه حضرت فاطمه علیها السلام را نزد روضه مطهره زیارت کن و در تعیین جای قبر آن مظلومه اختلاف شده ؛ طایفه ای گفته اند: در روضه که بین قبر و منبر است مدفون می باشد و بعضی گفته اند: در خانه خودش مدفون است، و گروه سوم گفته اند قبر مطهرش در بقیع است و آنچه را اصحاب ما بیشتر اعتقاد بر آن دارند، این است که آن مظلومه نزد روضه زیارت شود و کسی که آن معظمه را در این سه موضع زیارت کند افضل است، چون برای زیارت آن ممتحنه، در این مواضع ایستادی بگو:

يَا مُتَّحِنَةً، اِمْتَحَنِكَ اللهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ،

ای آزموده، آزمودت خدایی که تو را آفرید، پیش از آنکه تو را بیافریند،

فَوَجَدَكَ لِمَا اِمْتَحَنَكَ صَابِرَةً، وَزَعَمْنَا اَنَا لِكَ اَوْلِيَاءُ

پس به آنچه آزمودت تو را شکستنا یافت ما بر این باوریم که دوستان

وَمُصَدِّقُونَ، وَصَابِرُونَ لِكُلِّ مَا اَتَانَا بِهِ اَبُوكَ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

و تصدیق کنندگان تویم، و به تمام آنچه پدرت (درود خدا بر او و خاندانش باد)

وَ اٰلِهِ، وَ اَتَى (اَتَانَا) بِهِ وَصِيَّهُ، فَاِنَّا نَسْأَلُكَ اِنْ كُنَّا صَادِقًا،

و وصی اش برای ما آورده صبر کننده ایم، پس از تو درخواست می کنیم، اگر تصدیق کننده تو بوده ایم،

اِلَّا الْحَقَّتْ اَبْحَثْنَا بِتَصَدِيقِنَا لِهَمَّا، لِنُبَشِّرَ اَنْفُسَنَا بِاَنَّا قَدْ طَهَّرْنَا

ما را به تصدیقمان به پدرت و جانشینش ملحق کنی، تا خود را بشارت دهیم، که به سبب

زیارت حضرت فاطمه علیها السلام

بِوَلَايَتِكَ. و نیز مستحب است بگویی: السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ

ولایت تو پاک گشته ایم. سلام بر تو ای دختر

رَسُولِ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ نَبِيِّ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكِ

رسول خدا، سلام بر تو ای دختر پیامبر خدا، سلام بر تو

يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ خَلِيلِ اللَّهِ؛ السَّلَامُ

ای دختر محبوب خدا، سلام بر تو ای دختر دوست صمیمی خدا، سلام

عَلَيْكِ يَا بِنْتَ صَفِيِّ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ أَمِينِ اللَّهِ؛

بر تو ای دختر برگزیده خدا، سلام بر تو ای دختر امین خدا،

السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ

سلام بر تو ای دختر بهترین خلق خدا، سلام بر تو ای دختر

أَفْضَلِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ، وَرُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ

برترین پیامبران خدا، و رسولان و فرشتگانش، سلام بر تو ای دختر

خَيْرِ الْبَرِيَّةِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، مِنْ الْأَوَّلِينَ

بهترین مخلوقات، سلام بر تو ای بانوی بانوان جهان از گذشتگان

وَالْآخِرِينَ؛ السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا زَوْجَةَ وَايِّ اللَّهِ، وَخَيْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ

و آیندگان، سلام بر تو ای همسر ولی خدا، و بهترین خلق بعد از

رَسُولِ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا أُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، سَيِّدَى

رسول خدا، سلام بر تو ای مادر حسن و حسین، دو سرور

شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيُّهَا الصِّدِّيقَةُ الشَّهِيدَةُ؛

جوانان اهل بهشت، سلام بر تو ای صدیقه شهیده،

السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا أَيُّهَا الرِّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ؛ السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيُّهَا

سلام بر تو ای خوشنود از خدا، و خدا خوشنود از تو، سلام بر تو ای

الْفَاضِلَةُ الرَّكِيَّةُ؛ السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيُّهَا الْحَوْرَاءُ الْإِنْسِيَّةُ؛

فاضله پاکیزه، سلام بر تو ای حوریه در لباس انسان،

السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيُّهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ؛ السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيُّهَا الْمَحْدَثَةُ

سلام بر تو ای پرهیزگار نظیف، سلام بر تو ای همسخن با ملائکه

زیارت حضرت فاطمه علیها السلام

الْعَلِيمَةُ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَغْضُوبَةُ؛ السَّلَامُ

وای بسیار دانا، سلام بر تو ای ستمدیده، ای که حقت غصب شده، سلام

عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُضْطَّهَدَةُ الْمُقَهْوَرَةُ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ

بر تو ای سرکوب شده و مقهوره دشمن، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای فاطمه

بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ؛ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى

دختر رسول خدا، درود خدا بر تو

رُوحِكَ وَبَدَنِكَ؛ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَى بَيْنَةِ مِنْ رَبِّكَ، وَأَنَّ

روح و تن تو، گواهی می‌دهم که بر برهانی روشن از سوی پروردگارت از جهان درگذشتی،

مَنْ سَرَّكَ فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ

و هر که تو را شاد کرد، رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد) را شاد نمود، و هر که

جَفَاكَ فَقَدْ جَفَا رَسُولَ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، [وَمَنْ

به تو جفا کرد، به رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد) جفا کرد، و هر که

أَذَاكَ فَقَدْ آذَى رَسُولَ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ

تو را آزرده، رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد) را آزرده، و هر که

وَصَلَّكَ فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، [وَمَنْ

به تو پیوست، به رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد) پیوست،

قَطَعَكَ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، لِأَنَّكَ

و هر که از تو برید، از رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد) برید، چرا که تو

بِضَعَةٍ مِنْهُ، وَرُوحُهُ الَّذِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ] كَمَا قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

پاره تن او و روح بین دو پهلوی او هستی، خدا،

وَآلِهِ؛ أَشْهَدُ اللَّهُ وَرُسُلَهُ وَمَلَائِكَتَهُ، أَنِّي رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَ

و رسولان خدا و فرشتگانش را گواه می‌گیرم که من خشنودم از کسی که تو از او خشنودی،

عَنْهُ، سَاخِطٌ عَلَى مَنْ سَخِطَ عَلَيْهِ، مُتَبَرِّئٌ مِمَّنْ تَبَرَّأَتْ مِنْهُ،

و خشمگینم بر کسی که تو بر او خشمگینی، و بیزارم از هر که تو از او بیزاری،

مُؤَالٍ لِمَنْ وَآلَيْتِ، مُعَادٍ لِمَنْ عَادَيْتِ، مُبْغِضٌ لِمَنْ أَبْغَضْتِ،

دوست دارم هر که را تو دوست داری و دشمنم هر که را تو با او دشمنی، و متفرم از هر که تو از او نفرت داری

زیارت حضرت فاطمه علیها السلام

مُحِبُّ لِمَنْ أَحَبَبْتَ ؛ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا وَحَسِيبًا ، وَجَازِيًا

و محبت دارم به هر که تو به او محبت داری و خدا برای شهادت و حسابرسی، کیفر دهی و پاداش دهی

وَمُثِيبًا. آنگاه بر رسول خدا و ائمه طاهرين عليهم السلام صلوات

کافی است.

می فرستی. مؤلف گوید: ما برای روز سوم جمادی الآخر زیارتی دیگر برای حضرت فاطمه علیها السلام نقل کردیم، و نیز علما زیارت مبسوطی برای آن مظلومه نقل کرده اند، که مثل همین زیارت نقل شده از شیخ طوسی است، اول آن (السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ) است تا (أَشْهَدُ اللَّهَ وَرُسُلَهُ وَمَلَائِكَتَهُ)، و از اینجا به بعد آن چنین است:

أَشْهَدُ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ، أَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ وَالَاكَ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكَ،

خدا و فرشتگانش را گواه می گیریم که من دوستم با هر که تو را دوست دارد، و دشمنم با هر که با تو دشمن است،

وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكَ، أَنَا يَا مَوْلَاتِي، بِكَ وَبِأَبِيكَ وَبِعَلِّكَ،

و در جنگم با کسی که با تو بجنگد، من ای سرپرستم یقین دارم به تو و پدر و همسر تو

وَالْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِكَ مَوْقِنٌ، وَبِوَلَايَتِهِمْ مُؤْمِنٌ، وَلِطَاعَتِهِمْ مُلْتَزِمٌ؛

و امامان از فرزندان، و به ولایتشان مؤمنم و به پیروی از آنان ملتزم،

أَشْهَدُ أَنَّ الدِّينَ دِينُهُمْ، وَالْحُكْمَ حُكْمُهُمْ، وَهُمْ بَلَّغُوا عَنِ اللَّهِ

شهادت می دهم، که دین، دین آنهاست، و فرمان فرمان آنها، و آنان از جانب خدا آنچه را باید،

عَزَّ وَجَلَّ، وَدَعَّوْا إِلَى سَبِيلِ اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ، وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ،

ابلاغ کردند، و به راه خدا با حکمت و موعظه حسنه دعوت نمودند،

لَا تَأْخُذُهُمْ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ، وَصَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى أَبِيكَ

و در راه خدا به ملامت ملامت کنندگان اعتنا ننمودند، و درودهای خدا بر تو و پدر

زیارت حضرت فاطمه علیها السلام

وَبِعَلِّكَ، وَذُرِّيَّتِكَ الْأَيُّمَةَ الطَّاهِرِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

و همسر تو و فرزندان، آن امامان پاک، خدا یا درود فرست بر محمد

وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَصَلِّ عَلَى الْبَتُولِ الطَّاهِرَةِ، الصِّدِّيقَةِ الْمُعْصُومَةِ،

و اهل بیتش، و درود فرست بر بتول پاک، صدیقه، معصومه،

التَّقِيَّةِ النَّقِيَّةِ، الرَّضِيَّةِ الْمَرْضِيَّةِ، الزَّكِيَّةِ الرَّشِيدَةِ، الْمَظْلُومَةِ

پرهیز کار، پاکیزه، خشنود از حق، خدا خشنود از او، پاک تربیت، رشیده، مظلومه،

الْمَقْهُورَةِ، الْمَغْصُوبَةِ (الْمَغْصُوبِ) حَقُّهَا، الْمُنَوَّعَةِ (الْمُنَوَّعِ)

دشمن چیره، غصب شده حق، منع شده از

إِرْثُهَا، الْمَكْسُورَةِ (الْمَكْسُورِ) ضِلْعُهَا، الْمَظْلُومِ بَعْلُهَا، الْمَقْتُولِ

ارث، پهلو شکسته، ستم شده بر شوهرش، کشته شده

وَلَدُهَا، فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِكَ، وَبِضْعَةِ لَحْمِهِ، وَصَمِيمِ قَلْبِهِ،

فرزندش، فاطمه دختر رسولت، و پاره تنش، و خالص قلبش،

وَفِلْدَةِ كَبِدِهِ، وَالنُّخْبَةِ (وَالنُّحْيَةِ) مِنْكَ لَهُ، وَالتُّحْفَةِ

و جگر گوشه اش، و انتخاب شده از جانب تو، و تحفه ای که

خَصَّصْتَ بِهَا وَصِيِّهِ، وَحَبِيبَةِ الْمُصْطَفَى، وَقَرِينَةَ

به جانشینش اختصاص دادی، و محبوبه و مصطفی،

الْمُرْتَضَى، وَسَيِّدَةِ النِّسَاءِ، وَمُبَشِّرَةَ الْأَوْلِيَاءِ، حَلِيفَةَ

و همسر مرتضی، بانوی بانوان، و مزده دهنده اولیاء، و هم پیمان

الْوَرَعَ وَالزُّهْدِ، وَتُفَّاحَةَ الْفِرْدَوْسِ وَالْخُلْدِ، الَّتِي

ورع و زهد، و سیب فردوس و بهشت جاوید، بانویی که

شَرَفَتْ مَوْلِدَهَا بِنِسَاءِ الْجَنَّةِ، وَسَلَّتْ مِنْهَا أَنْوَارَ الْأَيُّمَةِ،

شرافت دادی تولدش را به زنان بهشت، و خارج کردی انوار امامان را از صدف وجود او،

وَأَرْخَيْتِ دُونَهَا حِجَابَ النُّبُوءَةِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهَا، صَلَاةً تَزِيدُ

و انداختی در مقابلش پرده نبوت را. خدا یا بر او درود فرست، درودی که بیفزاید

فِي مَحَلِّهَا عِنْدَكَ، وَشَرَفَهَا لَدَيْكَ، وَمَنْزِلَتِهَا مِنْ رِضَاكَ،

بر مقامش نزد تو، و بر شرفش در پیشگاهت، و بر منزلتش از خشنودی ات،

زیارت حضرت رسول ﷺ از راه دُؤ

وَبَلِّغْهَا مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا، وَأَتِنَا مِن لَدُنكَ فِي حُبِّهَا فَضْلًا

و به او از جانب ما تحیت و سلام برسان، و به ما در راه دوستی اش از جانب خود، فضل

وَإِحْسَانًا، وَرَحْمَةً وَغُفْرَانًا؛ إِنَّكَ ذُو الْعَفْوِ الْكَرِيمِ.

و احسان و رحمت و آمرزش عنایت کن، تو صاحب گذشت و بزرگواری هستی.

مؤلف گوید: شیخ در «تهذیب» فرموده: آنچه در فضل زیارت آن معظمه روایت شده، بیشتر از آن است که شمارش شود و علامه مجلسی از کتاب «مصباح الانوار» نقل کرده: از حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ روایت شده: پدرم به من فرمود: هر که بر تو صلوات فرستد، حق تعالی او را پیامرزد و در هر جای بهشت که باشم به من ملحق کند.

زیارت حضرت رسول ﷺ از راه دُؤ

علامه مجلسی در «زاد المعاد»، در اعمال عید مولود، که روز هفدهم ربیع الأول است فرموده: شیخ مفید و شهید و سید ابن طاووس (ره) گفته‌اند: چون بخواهی در غیر مدینه طیبه حضرت رسول گرامی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را زیارت کنی، غسل کن و چیزی شبیه قبر در برابر خود بساز، و نام مبارک آن حضرت را بر آن بنویس، سپس بایست و دل خود را متوجه آن حضرت کن و بگو:

زیارت حضرت رسول ﷺ از راه دو

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا

شهادت می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه و بی شریک است، و شهادت می‌دهم که محمد

عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَنْتَ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَأَنْتَ سَيِّدُ

بنده و رسول اوست، و آقای پیشینیان و پسینیان، و سرور

الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ، الْأَيْمَّةِ

پیامبران و رسولان است. خدایا بر او و اهل بیتش آن امامان

الطَّيِّبِينَ. سَپَسْ بَكُو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؛ السَّلَامُ

پاک درود فرست. سلام بر تو ای رسول خدا، سلام

عَلَيْكَ يَا خَلِيلَ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو ای دوست صمیمی خدا، سلام بر تو ای پیامبر خدا، سلام بر تو

يَا صَفِيَّ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَحْمَةَ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ

ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای رحمت خدا، سلام بر تو

يَا خَيْرَةَ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ

ای منتخب خدا، سلام بر تو ای محبوب خدا، سلام بر تو

يَا نَجِيبَ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ

ای بنده نجیب خدا، سلام بر تو ای خاتم پیامبران، سلام بر تو

يَا سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَائِمًا بِالْقِسْطِ؛ السَّلَامُ

ای سرور رسولان، سلام بر تو ای قیام کننده به عدالت، سلام

عَلَيْكَ يَا فَاتِحَ الْخَيْرِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ الْوَحْيِ وَالْتَنْزِيلِ؛

بر تو ای فتح کننده خیر، سلام بر تو ای معدن وحی و تنزیل، و

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُبَلِّغًا عَنِ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّرَاجُ

سلام بر تو ای رساننده پیام از سوی خدا، سلام بر تو ای چراغ

الْمُنِيرُ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُبَشِّرُ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَذِيرُ؛ السَّلَامُ

پرفروغ، سلام بر تو ای مژده ده، سلام بر تو ای بیم دهنده، سلام

عَلَيْكَ يَا مُنْذِرُ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَوْرَ اللَّهِ الَّذِي يُسْتَضَاءُ بِهِ؛

بر تو ای هشدار دهنده، سلام بر تو ای نور خدا، که به آن روشنی جویند،

زیارت حضرت رسول ﷺ از راه دو

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِكَ، الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، أَهْلَادِينَ

سلام بر تو و بر اهل بیت پاک و پاکیزه و راهنما

المُهَدِّينَ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ جَدِّكَ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، وَعَلَىٰ

و راه یافته‌ها، سلام بر تو و بر جدت عبدالمطلب، و بر

أَبِيكَ عَبْدِ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَىٰ أُمِّكَ أَمْنَةَ بِنْتِ وَهَبٍ؛ السَّلَامُ

پدرت عبدالله، سلام بر مادرت آمنه دختر وهب، سلام

عَلَىٰ عَمِّكَ حَمْرَةَ سَيِّدِ الشَّهَدَاءِ؛ السَّلَامُ عَلَىٰ عَمِّكَ الْعَبَّاسِ بْنِ

بر عمویت حمزه سرور شهیدان، سلام بر عمویت عباس فرزند

عَبْدِ الْمُطَّلِبِ؛ السَّلَامُ عَلَىٰ عَمِّكَ وَكَفِيلِكَ أَبِي طَالِبٍ؛ السَّلَامُ

عبدالمطلب، سلام بر عمویت و سرپرست ابوطالب، سلام

عَلَىٰ ابْنِ عَمِّكَ جَعْفَرِ الطَّيَّارِ، فِي جَنَّاتِ الْخُلْدِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر پسر عمویت جعفر، پرواز کننده در بهشت جاوید، سلام بر تو

يَا مُحَمَّدُ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَحْمَدُ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ

ای محمد، سلام بر تو ای احمد، سلام بر تو ای حجت خدا

عَلَىٰ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، [وَالسَّابِقِ إِلَىٰ طَاعَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،

بر پیشینیان و پسینیان، و پیشی گیرنده بر طاعت پروردگار جهانیان،

وَالْمُهَيِّمِينَ عَلَىٰ رُسُلِهِ، وَالخَاتِمَ لِأَنْبِيَائِهِ، وَالشَّاهِدَ عَلَىٰ خَلْقِهِ،

و مهربان بر رسولانش، و خاتم پیامبرانش، و گواه بر بندگانش،

وَالشَّفِيعَ إِلَيْهِ، وَالْمَكِينَ لَدَيْهِ، وَالْمُطَاعَ فِي مَلَكُوتِهِ، الْأَحْمَدَ

و شفیع به درگاهش، و ارجمند در نزدش، و پیروی شده در ملکوتش، پیامبر ستوده‌تر

مِنَ الْأَوْصَافِ، الْمُحَمَّدَ لِسَائِرِ الْأَشْرَافِ، الْكَرِيمَ عِنْدَ الرَّبِّ،

در صفات، و پسندیده بر دیگر اشراف، کریم نزد پروردگار،

وَالْمُكَلَّمَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُبِ، الْفَائِزَ بِالسَّبَاقِ، وَالْفَائِتَ عَنِ

و طرف سخن واقع شده از پس پرده‌های غیب، آنکه در مسابقه بندگی بر همه پیروز آمد و کسی در این مسابقه

اللِّحَاقِ، تَسْلِيمَ عَارِفٍ بِحَقِّكَ، مُعْتَرِفٍ بِالتَّقْصِيرِ فِي قِيَامِهِ

به او ملحق نگردد، بر تو سلام می‌دهم، سلام آگاه به حقت، و معترف به تقصیر در قیامش،

زیارت حضرت رسول ﷺ از راه دو

بِوَجِبِكَ، غَيْرِ مُنْكَرٍ مَا أَنْتَهَى إِلَيْهِ مِنْ فَضْلِكَ، مَوْقِنٌ

نسبت به حقوق واجبی که برای تو است، انکار کننده نیست، نسبت به آنچه که رسیده به آن از فضل، یقین کننده

بِالْمَزِيدَاتِ مِنْ رَبِّكَ، مُؤْمِنٌ بِالْكِتَابِ الْمُنَزَّلِ عَلَيْكَ، مُحَلِّلٌ

به افزونیهای نصیبت از جانب پروردگارت، مؤمن به کتابی که بر تو نازل شده، حلال شمارنده

حَلَالِكَ، مُحَرِّمٌ حَرَامِكَ. أَشْهَدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَعَ كُلِّ شَاهِدٍ،

حالات، و حرام داننده حرمت، و شهادت می‌دهم ای فرستاده خدا با هر شاهد،

وَأَتَحَمَّلُهَا عَنْ كُلِّ جَا حِدٍ: أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ،

و به عهده برمی‌دارم از جانب هر انکارکننده، به اینکه پیامهای پروردگارت را رساندی،

وَنَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ، وَصَدَعْتَ

و برای امتت خیرخواهی کردی، و در راه پروردگارت کوشیدی، و آشکارا به اجرای

بِأَمْرِهِ، وَاحْتَمَلْتَ الْأَذَى فِي جَنْبِهِ، وَدَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِهِ،

دستورش برخاستی، و در کنارش تحمل آزار نمودی و به راهش با منطق

بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ الْجَمِيلَةِ، وَأَدَيْتَ الْحَقَّ الَّذِي كَانَ

محکم و پند نیکو و زیبا دعوت کردی، و حقی که بر عهده تو بود

عَلَيْكَ، وَأَنَّكَ قَدْ رَوَّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ، وَغَلُظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ،

ادا نمودی، به یقین نسبت به اهل ایمان مهربان، و نسبت به کافران سخت گیر بودی،

وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا، حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينَ؛ فَبَلَغَ اللَّهُ بِكَ أَشْرَفَ

و خدا را بندگی نمودی، تا مرگ تو را در رسید، خدا برساند تو را به شریف ترین

مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ، وَأَعْلَى مَنَازِلِ الْمُقْرَبِينَ، وَارْفَعَ دَرَجَاتِ

مقام اکرام شدگان، و برترین جایگاههای مقربان، و بالاترین درجات

الرُّسُلِينَ، حَيْثُ لَا يَلْحَقُكَ لَاحِقٌ، وَلَا يَفُوقُكَ فَائِقٌ،

رسولان آنجا که رسندهای به تو نرسد، و برتری بر تو برتری تجوید،

وَلَا يَسْبِقُكَ سَابِقٌ، وَلَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِكَ طَامِعٌ. الْحَمْدُ لِلَّهِ

و پیشی گیرندهای بر تو پیشی نگیرد، و طمع کنندهای در دریافت تو طمع ننماید، خدا را سپاس

الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الْهَلَكَةِ، وَهَدَانَا بِكَ مِنَ الضَّلَالَةِ،

که ما را به وسیله تو از هلاکت رهانند، و از گمراهی به راه راست هدایت کرد،

زیارت حضرت رسول ﷺ از راه دو

وَنُورِنَا بِكَ مِنَ الظُّلْمَةِ، فَجَزَاكَ اللَّهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ مَبْعُوثٍ،

و از تاریکی به نورانیت آورد، خدا پاداشت دهد، ای رسول خدا در نبوت،

أَفْضَلَ مَا جَازَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ، وَرَسُولًا عَمَّنْ أُرْسِلَ إِلَيْهِ؛ يَا بَابِي

پاداشی برتر از آنچه پیامبری را از امتش عنایت نموده و رسولی را از طرف آنان که به سویشان فرستاده شده

أَنْتَ وَأُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ، زُرْتُكَ عَارِفًا بِحَقِّكَ، مُقِرًّا بِفَضْلِكَ،

مرحمت کرده، پدر و مادرم فدایت ای رسول خدا، زیارت کردم با آشنایی به حقت و اقرار کنان به فضلت،

مُسْتَبْصِرًا بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكَ، وَخَالَفَ أَهْلَ بَيْتِكَ، عَارِفًا

و با بینایی به گمراهی کسی که با تو و اهل بیت مخالفت کرد، آشنایم

بِالْهُدَى الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ؛ يَا بَابِي أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي، وَأَهْلِي وَمَالِي

به هدایتی که تو بر آن هستی، پدرم و مادرم و خود و خانواده ام و مال

وَوَلَدِي، أَنَا أَصَلَّى عَلَيْكَ، كَمَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، وَصَلَّى عَلَيْكَ

و فرزندانم فدایت باد، من به تو درود می فرستم، چنان که خدا

مَلَائِكَتُهُ، وَأَنْبِيَائُهُ، وَرُسُلُهُ، صَلَاةً مُتَّبِعَةً وَافِرَةً مُتَوَاصِلَةً،

و فرشتگان و انبیاء و رسولانش بر تو درود فرستادند، درودی پیایی، کامل، پیوسته

لَا انْقِطَاعَ لَهَا، وَلَا أَمَدَ وَلَا أَجَلَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ

که نه برایش بریدن باشد و نه اندازه و زمان، درود بر تو و اهل

بَيْتِكَ، الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، كَمَا أَنْتُمْ أَهْلُهُ. پس دستها را

بیت پاک و پاکیزه ات، آنچنان که شما شایسته آن هستید.

بِغَشَا وَبِغُو اللَّهُمَّ اجْعَلْ جَوَامِعَ صَلَوَاتِكَ، وَنَوَامِي بَرَكَاتِكَ،

خدایا قرار ده درودهای همه جنبه ات و روینده برکاتت،

وَفَوَاضِلَ خَيْرَاتِكَ، وَشَرَائِفَ تَحِيَّاتِكَ، وَتَسْلِيمَاتِكَ وَكِرَامَاتِكَ

و فرونیهای خیراتت، و شرافتهای تحیاتت، و سلامهات، و کرامتهات،

وَرَحْمَاتِكَ، وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيَائِكَ

و رحمتها، و درودهای فرشتگان مقربت، و انبیای

الْمُرْسَلِينَ، وَأُمَّتِكَ الْمُتَجَبِّينَ، وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، وَأَهْلِي

مرسلت، و امامان برگزیده ات و بندگان شایسته ات، و اهل

زیارت حضرت رسول ﷺ از راه دو

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَيْنِ، وَمَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، مِنْ

آسمانها و زمینها، و هر که تسبیح تو گوید، ای پروردگار جهانیان، از

الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَشَاهِدِكَ،

گذشتگان و آیندگان، بر محمد بندهات و فرستادهات و گواه

و نَبِيِّكَ وَنَذِيرِكَ، وَآمِينِكَ وَمَكِينِكَ، وَنَجِيكَ وَنَجِيْبِكَ،

بر خلقت و پیامبرت، و بیم دهندهات، و امینت، و بنده با قدرت و ارجمند و نجیب،

وَ حَبِيْبِكَ وَ خَلِيْلِكَ، وَ صَفِيْكَ وَ صَفْوَتِكَ، وَ خَاصَّتِكَ

و محبوب و دوست صمیمی، و برگزیده و مخصوص،

وَ خَالِصَّتِكَ وَ رَحْمَتِكَ، وَ خَيْرِ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، نَبِيِّ

و خالص و رحمت و بهترین انتخاب شده از میان خلقت، پیامبر

الرَّحْمَةِ، وَخَازِنِ الْمَغْفِرَةِ، وَقَائِدِ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَهَةِ، وَ مُنْقِذِ الْعِبَادِ

رحمت، و خزانه دار آمرزش، و پیشرو خیر و برکت، و رهاننده بندگان

مِنَ الْهَلَكَةِ بِإِذْنِكَ، وَ دَاعِيهِمْ إِلَى دِينِكَ الْقِيَمِ بِأَمْرِكَ، أَوَّلِ

به اجازات از هلاکت، و فراخواننده آنان به دین استوارت، به فرمانت، اولین

النَّبِيِّينَ مِيثَاقًا، وَ آخِرِهِمْ مَبْعَثًا، الَّذِي غَمَسْتَهُ فِي بَحْرِ

پیامبران در پیمان و آخرینشان در رسالت، آن پیامبری که فرو بردی او را در دریای

الْفَضِيلَةِ، وَ الْمَنْزِلَةِ الْجَلِيلَةِ، وَ الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ، وَ الْمَرْتَبَةِ

فضیلت و منزلت و درجه بس بلند و مرتبه

الْخَطِيْرَةِ، وَ أَوْدَعْتَهُ الْأَصْلَابَ الطَّاهِرَةَ، وَ نَقَلْتَهُ مِنْهَا إِلَى

شریف، و او را در صلب های پاک به امانت گذاشتی، و وی را از باب لطف

الْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ، لُطْفًا مِنْكَ لَهُ، وَ تَحَنُّنًا مِنْكَ عَلَيْهِ، إِذْ

و مهرت بر او از آن صلبها به رحمهای پاک منتقل کردی، آنگاه

وَكَلَّتْ لِصَوْنِهِ وَ حِرَاسَتِهِ، وَ حِفْظِهِ وَ حِيَاطَتِهِ، مِنْ قُدْرَتِكَ

برای حفظ و حراست و نگهداری و پاسبانی اش، از قدرتت

عَيْنًا عَاصِمَةً، حَجَبَتْ بِهَا عَنْهُ مَدَائِسُ الْعَهْرِ، وَ مَعَائِبَ

دیدهبانی نگهدارنده گماشتی، که از وی به وسیله آن نگهدارنده آلودگیهای فحش و زدیلت و معایب

زیارت حضرت رسول ﷺ از راه دو

السِّفَاحِ، حَتَّى رَفَعَتْ بِهِ نَوَاطِرَ الْعِبَادِ، وَأَحْيَيْتَ بِهِ مَيِّتَ

کار زشت را باز داشتی تا اینکه به وسیله آن حضرت دید بندگان را رفعت دادی، و سرزمینهای مرده را زنده کردی،

الْبِلَادِ، بَانَ كَشَفْتَ عَنْ نَوْرِ وِلَادَتِهِ ظُلْمَ الْأَسْتَارِ، وَالْبَسْتِ

به اینکه از نور ولادتش، تاریکیهای پرده‌ها را برطرف نمودی، و پوشاندی به وسیله او بر

حَرَمِكَ بِه حُلَلِ الْأَنْوَارِ. اللَّهُمَّ فَكَمَا خَصَصْتَهُ بِشَرَفِ هَذِهِ

حرمت جامه‌های انوار را. خدایا همچنان که او را به شرف این

الْمُرْتَبَةِ الْكَرِيمَةِ، وَذُخِرَ هَذِهِ الْمُنْقَبَةُ الْعَظِيمَةُ، صَلَّى عَلَيْهِ كَمَا

مرتبه کریمانه، و اندوخته این منقبت عظیمه اختصاص دادی، بر او درود فرست چنان که

وَفِي بَعْدِكَ، وَبَلَغَ رِسَالَتِكَ، وَقَاتَلَ أَهْلَ الْجُحُودِ عَلَى

به عهدهت وفا کرد، و پیامهایت را رساند، و بر توحیدت با اهل انکار جنگید،

تَوْحِيدِكَ، وَقَطَعَ رَحِمَ الْكُفْرِ فِي إِعْزَازِ دِينِكَ، وَلَيْسَ ثَوْبُ

و خویشی خود را با اهل کفر برای سربلندی دینت قطع کرد و جامه گرفتاری

الْبَلْوَى فِي مُجَاهَدَةِ أَعْدَائِكَ، وَأَوْجَبَتْ لَهُ بِكُلِّ أَدَى مَسَّهُ، أَوْ

را در مبارزه با دشمنانت به بر نمود، و تو هم در برابر هر آزاری که به او رسید، یا هر

كَيْدٍ أَحَسَّ بِهِ مِنْ الْفِئَةِ الَّتِي حَاوَلَتْ قَتْلَهُ، فَضِيلَةً تَفُوقُ

کیدی که آن را احساس کرد، از گروهی که قصد کشتنش را داشتند، واجب فرمودی، فضیلتی که بر

الْفَضَائِلِ، وَيَمْلِكُ بِهَا الْجَزِيلَ مِنْ نَوَالِكَ، وَقَدْ (فَلَقَدْ) أَسْرَّ

فضائل برتری جوید، و به آن مالک شود عطاى بس بزرگت را، چرا که آن حضرت

الْحُسْرَةَ، وَأَخْفَى الزَّفْرَةَ، وَتَجَرَّعَ الْغُصَّةَ، وَلَمْ يَتَخَطَّ مَا مَثَلَ لَهُ

اندوهش را پنهان کرد، و نفسهای پر غصه‌اش را مخفی نمود، و شربت اندوه را چشید، و از آنچه وحی‌ات برایش

وَحْيِكَ (مِثْلَ مَنْ وَحْيِكَ). اللَّهُمَّ صَلَّى عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ،

مشخص کرده بود، یا به فرا نگذاشت، خدایا بر او و اهل بیتش درود فرست،

صَلَاةً تَرْضَاهَا لَهُمْ، وَيَبْلِّغُهُمْ مِنَّا تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَسَلَامًا، وَأَتِنًا مِنْ

درودی که آن را برای آنها بپسندی و از جانب ما تحیت بسیار و سلام به آنان برسان، و از پیشگاهت بخاطر

لَدُنْكَ فِي مُوَالَاتِهِمْ فَضْلًا وَإِحْسَانًا، وَرَحْمَةً وَغُفْرَانًا؛ إِنَّكَ

دوستی ایشان به ما فضل و احسان و رحمت و آمرزش عنایت کن، تو

زیارت حضرت رسول ﷺ از راه دو

ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ.

دارای فضل بسیار بزرگی.

سپس چهار رکعت نماز زیارت با هر سوره‌ای که بخواهی
به دو سلام بجا آر ، و پس از آن تسبیح حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ
را بخوان و بگو: اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ لِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ، صَلَّى

خدا یا خود به پیامبرت محمد (درود خدا بر او

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ﴿وَلَوْ اَنَّهُمْ اِذْ ظَلَمُوا اَنْفُسَهُمْ جَاؤُوكَ،

و خاندانش باد) فرمودی: اگر اینان هنگامی که بر خود ستم کردند، نزد تو می آمدند،

فَاَسْتَغْفِرُوا اللّٰهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ، لَوْجَدُوا اللّٰهَ

از خدا آمرزش می خواستند، و پیامبر برای آنان طلب آمرزش می کرد، و به یقین خدا را

تَوَّابًا رَحِيْمًا؛ وَ لَمْ اَحْضُرْ زَمَانَ رَسُوْلِكَ، عَلَيْهِ وَآلِهِ

توبه پذیر و رحیم می یافتند، و من در زمان پیامبرت (درود بر او و خاندانش)

السَّلَامُ . اَللّٰهُمَّ وَ قَدْ زُرْتُهُ رَاغِبًا، تَائِبًا مِنْ سَيِّئِ عَمَلِي،

حاضر نبودم. خدایا اینک او را زیارت کردم زیارتی با رغبت، از بدی عملم توبه کننده‌ام،

وَمُسْتَغْفِرًا لَكَ مِنْ ذُنُوْبِي، وَ مُقِرًّا لَكَ بِهَا، وَ اَنْتَ اَعْلَمُ

و از گناهانم از حضرتت خواستار آمرزشم، و به آن گناهان اعتراف دارم، و تو آنها را

بِهَا مِنِّي، وَ مُتَوَجِّهًا اِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ ، صَلَوَاتِكَ

بهتر از من می دانی، به وسیله پیامبرت پیامبر رحمت

عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَاجْعَلْنِي اللّٰهُمَّ بِمُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ عِنْدَكَ،

(درودت بر او و آنان) متوجه به وجود توام، خدایا به محمد و اهل بیتش

وَ جِيْهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَمَنْ الْمُقْرَبِيْنَ؛ يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُوْلَ

مرا نزد خود در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان قرار ده، ای محمد،

اللّٰهُ؛ يَا اَبِي اَنْتَ وَاُمِّي يَا نَبِيَّ اللّٰهُ، يَا سَيِّدَ خَلْقِ اللّٰهِ، اِنِّي

ای رسول خدا، پدر و مادرم به فدایت، ای پیامبر خدا، ای آقای خلق خدا، من

زیارت حضرت رسول ﷺ از راه دو

اتَّوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَرَبِّي، لِيَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي، وَيَتَقَبَّلَ مِنِّي

به وسیله تو به پیشگاه خدا رو می کنم پروردگارم و پروردگار تو، تا خدا گناهانم را ببامزد،

عَمَلِي، وَيَقْضِيَ لِي حَوَائِجِي، فَكُنْ لِي شَفِيعًا عِنْدَ رَبِّكَ وَرَبِّي،

و عملم را قبول نماید، و حاجاتم را برآورده سازد، تو هم ای رسول خدا نزد پروردگارت و پروردگارم شفیع من باش،

فَنِعْمَ الْمَسْئُولُ الْمَوْلَى رَبِّي، وَنِعْمَ الشَّفِيعُ أَنْتَ يَا مُحَمَّدُ، عَلَيْكَ

پس چه خوب درخواست شده ای است مولا و پروردگارم، و چه خوب شفیی هستی تو ای محمد، بر تو

وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ السَّلَامُ. اللَّهُمَّ [وَ] أَوْجِبْ لِي مِنْكَ الْمَغْفِرَةَ

و اهل بیت سلام. خدایا از جانب خود آمرزش

وَالرَّحْمَةَ، وَالرِّزْقَ الْوَاسِعَ الطَّيِّبَ النَّافِعَ، كَمَا أَوْجَبْتَ لِمَنْ آتَى

و رحمت، و روزی وسیع و پاکیزه و سودمند، برای من واجب فرما، چنان که واجب کردی برای کسی

نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَهُوَ حَيٌّ فَاقْرَأْ لَهُ بِذُنُوبِهِ،

که به خدمت پیامبرت محمد (درود تو بر او و خاندانش) آمد، درحالی که زنده بود، و به گناهانش اقرار کرد،

وَاسْتَغْفَرَ لَهُ رَسُولُكَ، عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ، فَغَفَرْتَ لَهُ

و پیامبرت (درود بر او و خاندانش) برای او طلب آمرزش کرد، و تو او را آمرزیدی

بِرَحْمَتِكَ؛ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ وَقَدْ أَمَلْتُكَ وَرَجَوْتُكَ،

به حق مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان. خدایا به حقیقت تو را آرزو مندم، و به تو امید بستم،

وَقَمْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ عَمَّنْ سِوَاكَ، وَقَدْ أَمَلْتُ

و در پیشگاهت ایستادم و از غیر تو به تو میل کردم، و پاداش بزرگت

جَزِيلَ ثَوَابِكَ، وَإِنِّي لَمُقِرٌّ (مُقِرٌّ) غَيْرُ مُنْكَرٍ، وَتَائِبٌ إِلَيْكَ مِمَّا

را آرزو کردم، من اعتراف کننده ام نه انکار کننده، و از آنچه مرتکب شدم، توبه کننده

اِقْتَرَفْتُ، وَعَائِدٌ بِكَ فِي هَذَا الْمَقَامِ، مِمَّا قَدَّمْتُ مِنَ الْأَعْمَالِ،

به سوی تو هستم، و در این مقام پناهنده به توام، از آن اعمالی که پیشتر فرستادم،

الَّتِي تَقَدَّمْتُ إِلَيْكَ فِيهَا، وَنَهَيْتَنِي عَنْهَا، وَ أَوْعَدْتَ عَلَيْهَا

اعمالی که در آنها به من پیش دستی کردی، و مرا از آنها نهی کردی، و بر آنها به من وعده

الْعِقَابِ، وَ أَعُوذُ بِكَرَمِ وَجْهِكَ، أَنْ تُقِيمَنِي مَقَامَ الْخِزْيِ

کیفر دادی، و پناه می آورم به بزرگواری ذاتت، از اینکه مرا در مقام رسوایی

زیارت حضرت رسول ﷺ از راه دو

وَالذُّلِّ، يَوْمَ تُهْتَكُ فِيهِ الْأَسْتَارُ، وَتَبْدُو فِيهِ الْأَسْرَارُ

و خوارى بپادارى، روزى كه پردهها در آن دريده شود، و اسرار

وَالْفَضَائِحُ، وَتَرَعَدُ فِيهِ الْفَرَائِصُ، يَوْمَ الْحَسْرَةِ وَالنَّدَامَةِ، يَوْمَ

و رسوايىها در آن آشكار گردد، و اندامها در آن بلرزد، روز حسرت و پشيمانى، روز

الْأَفِكَةِ، يَوْمَ الْأَزْفَةِ، يَوْمَ التَّغَابُنِ، يَوْمَ الْفَصْلِ، يَوْمَ

تهمت، روز نزديك، روز زيانكارى، روز جدا كردن، روز

الْحِزَاءِ، يَوْمًا كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ، يَوْمَ النَّفْخَةِ،

پاداش، روزى كه طول آن پنجاه هزار سال است، روز دميدن،

يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ، تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ، يَوْمَ النَّشْرِ، يَوْمَ الْعَرْضِ،

روزي كه بلرزاند لرزانندهاى، روزى كه از پى آن لرزانندهاى ديگر آيد، روز گسترش، روز عرض اعمال،

يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ، يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ،

روزي كه مردم در پيشگاه پروردگار جهانيان بپا خيزند، روزى كه فرار كند انسان از برادر

وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ، وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ، يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ وَأَكْنَفُ

و مادر و پدر و همسر و فرزندان، و روزى كه شكافته شود زمين، و كرانههاى

السَّمَاءِ، يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ مُّجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا، يَوْمَ يُرَدُّونَ إِلَى

آسمان، روزى كه هر كسى بيايد، و از وجود خود دفاع كند، روزى كه بندگان برگردانده شوند

اللَّهِ، فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا، يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئًا،

به سوى خدا، و به آنچه انجام داده اند آگاهشان سازند، روزى كه از رفيق به رفيق سودى نرسد،

وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ، إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ؛ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ، يَوْمَ

و نه آنان يارى شوند، مگر آن كه را خدا رحم كند، كه او عزيز و رحيم است، روزى

يُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، يَوْمَ يُرَدُّونَ إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ

كه مردم بازگردانده شوند به سوى داناي نهنان و آشكار، روزى كه بازگردانده شوند به سوى خدا، سرپرست

الْحَقِّ، يَوْمَ يُخْرِجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا، كَانَتْهُمْ إِلَى نُصْبِ

حقشان روزى كه از قبرها شتابان در آيند، گويى به سوى نشانه هاى مى دوتند،

يُوفَضُونَ، وَكَانَتْهُمْ جَرَادٌ مُنْتَشِرَةٌ، مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ إِلَى اللَّهِ، يَوْمَ

و گويى ملخه هاى پراکنده اند، در حالى كه چشم دوخته اند به سوى دعوت كننده به جانب خدا، روز

زیارت حضرت رسول ﷺ از راه دو

الْوَاقِعَةِ، يَوْمَ تُرْجُ الْأَرْضُ رَجًّا، يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ،

واقعۀ، روزی که زمین به سختی بلرزد، روزی که آسمان همانند معدن گداخته می‌شود،

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ، وَلَا يُسَالُ حَمِيمٌ حَمِيمًا، يَوْمَ الشَّاهِدِ

و کوهها همانند پنبه زده شده، و خویشی از وضع خویش پرسیده نشود، روز گواه

وَالْمَشْهُودِ، يَوْمَ تَكُونُ الْمَلَائِكَةُ صَفًّا صَفًّا . اللَّهُمَّ ارْحَم

روز گواهی شده، روزی که فرشتگان صف در صف باشند. خدایا به حالم در آن روز،

مَوْقِفِي فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ، بِمَوْقِفِي فِي هَذَا الْيَوْمِ، وَلَا تُخْزِنِي فِي

به خاطر وضعی که امروز دارم رحم کن، و در آن حال به آنچه بر خود

ذَلِكَ الْمَوْقِفِ (الْيَوْمِ)، بِمَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي، وَاجْعَلْ يَا رَبِّ،

جنایت کردم رسوایم مکن، و راه مرا در آن روز ای پروردگارم

فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مَعَ أَوْلِيَائِكَ مُنْطَلِقِي، وَفِي زُمْرَةِ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ

با اولیایت، و محل گرد آمدن مرا در گروه محمد و اهل

بَيْتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مُحْشَرِي، وَاجْعَلْ حَوْضَهُ مَوْرِدِي،

بیتش (درود بر آنان) قرار ده، و رودگاه مرا حوض او، و بازگشتگاهم

وَفِي الْغُرِّ الْكِرَامِ مَصْدَرِي، وَأَعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي، حَتَّى

را در میان سپید رویان ارجمند مقرر فرما، و نامه عملم را به دست راستم ده، تا به

أَفْوزَ بِحَسَنَاتِي، وَتُبَيِّضَ بِهِ وَجْهِي، وَتُيَسِّرَ بِهِ حِسَابِي، وَتُرْجِحَ

وسیله حسناتم رستگار گردم، تا رویم را به آن سبب سپید گردانی، و حسابم را آسان سازی و ترازویم

بِهِ مِيزَانِي، وَأَمْضِي مَعَ الْفَائِزِينَ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، إِلَى

را سنگین کنی، تا با رستگاران از بندگان صالحت به جانب

رِضْوَانِكَ وَجَنَانِكَ؛ إِلَهَ الْعَالَمِينَ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ

خشنودی‌ات و بهشت‌هایت بروم، ای معبود جهانیان. خدایا به تو پناه می‌آورم

تَفْضُحَنِي فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ، بَيْنَ يَدَيِ الْخَلَائِقِ بِحَجْرِيَّتِي، أَوْ أَنْ

از اینکه در آن روز، در برابر خلایق به گناهم رسوایم سازی، یا به خاطر

أَلْقَى الْخِزْيَ وَالنَّدَامَةَ بِخَطِيئَتِي، أَوْ أَنْ تُظْهَرَ فِيهِ سَيِّئَاتِي عَلَى

خطایم با خواری و پشیمانی دمساز گردم، یا در آن روز بدیهایم را

زیارت حضرت رسول ﷺ از راه دو

حَسَنَاتِي، أَوْ أَنْ تُنَوِّهَ بَيْنَ الْخَلَائِقِ بِسْمِي؛ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ،

بر خوبیهایم غالب گردانی، یا مرا با نامم در میان خلایق ندا دهی، ای بزرگوار، ای بزرگوار،

الْعَفْوِ الْعَفْوِ، السَّتْرِ السَّتْرِ. اللَّهُمَّ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ يَكُونَ

گذشت نما، گذشت نما، پرده پوشی کن، پرده پوشی کن. خدایا به تو پناه می آورم از اینکه

فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ، فِي مَوَاقِفِ الْأَشْرَارِ مَوْقِفِي، أَوْ فِي مَقَامِ

در آن روز جایگاهم در جایگاههای بدکاران باشد، یا مقامم در مقام مردم

الْأَشْقِيَاءِ مَقَامِي، وَإِذَا مَيَّزْتَ بَيْنَ خَلْقِكَ، فَسُقْتَ كَلًّا

بدرجام قرار گیرد، و زمانی که میان بندگان جدایی اندازی، پس سوق دادی همه را با

بَأَعْمَالِهِمْ، زُمْرًا إِلَىٰ مَنَازِلِهِمْ، فَسُقْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ

اعمالشان، گروه گروه به منازلشان، مرا با رحمتت به میان بندگان

الصَّالِحِينَ، وَفِي زُمْرَةِ أَوْلِيَائِكَ الْمُتَّقِينَ إِلَىٰ جَنَّتِكَ؛ يَا رَبَّ

شایستهات، و در گروه اولیای پرهیزگارت به جانب بهشتیهایت سوق ده، ای پروردگار

الْعَالَمِينَ. پس آن حضرت را وداع کن و بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ

جهانیان. سلام بر تو ای

يَا رَسُولَ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَشِيرُ النَّذِيرُ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ

رسول خدا، سلام بر تو ای مژده ده و بیم ده، سلام بر تو

أَيُّهَا السَّرَاجُ الْمُنِيرُ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّفِيرُ بَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَ

ای چراغ نوربخش، سلام بر تو ای سفیر بین خدا

خَلْقِهِ؛ أَشْهَدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ

و بندگان خدا، گواهی می دهم ای رسول خدا، که تو نوری بودی در صلبهای

السَّامِيَةِ، وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا،

ارجمند، و رحمهای پاک، جاهلیت با ناپاکیهایش ناپاکت نکرد،

وَلَمْ تُلْبَسْكَ مِنْ مُدْهَمَاتِ ثِيَابِهَا، وَأَشْهَدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَنِّي

و از جامه های چرکینش تو را نیپوشاند، و گواهی می دهم ای رسول خدا که من

مُؤْمِنٌ بِكَ، وَبِالْأَيْمَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ، مَوْقِنٌ بِجَمِيعِ مَا آتَيْتَ

به حضرت تو، و امامان از اهل بیتت ایمان دارم، و به همه آنچه تو آورده ای